

سلامت و بهداشت، قابلیت‌های تولید، خوش‌بینی‌ها و بدبینی‌هایی که در تأمین غذا وجود دارد، امنیت غذایی، توزیع غذا و موارد دیگری از قبیل تجارت مواد غذایی، عوامل مرتبط با تولید غذا مانند آب، خاک، گیاه، حیوانات، انرژی، جنگلها، مراتع، سرمایه، مدیریت، منابع انسانی و تکنولوژی‌های مختلف، عوامل تسریع کننده و بازدارنده در تولید غذا، و سوالات گوناگونی از این دست، زمین، چه میزان تولید غذا دارد؟ چه میزان از جمعیت در نهایت می‌توانند در زمین تغذیه شوند؟ کدام کشورها در تأمین غذا موفق‌ترند و چرا؟ توزیع منابع غذا در جهان چگونه است؟ آیا همه کشورهای غذایی مورد نیاز خود را تولید می‌کنند؟ آیا مردم (کشاورزان) در همه دنیا از منابع در اختیار خود (اعم از آب و خاک و تکنولوژی) به یک اندازه بهره می‌گیرند؟ و همچنین موضوعات دیگری نظیر اینکه دولت‌ها در جهت تغذیه ملت‌ها چه سیاست‌هایی اتخاذ می‌نمایند؟ و یا اساساً دخالت دولت‌ها در تأمین غذا چگونه باید باشد؟ آیا یارانه‌های غذایی حقیقت دارد؟ آیا جنگ غذایی در جهان رخ خواهد داد؟

شاید بتوان دهها و صدها موضوع با اهمیت دیگر در همین رابطه ردیف نمود و همچنین اگر سئوالی در این زمینه‌ها وجود دارد به پاسخ آنها پرداخت.

بدیهی است یک محقق، یک کارشناس و یا یک مفسر نمی‌تواند از عهده همه مطالب فوق‌الذکر برآید و بررسی دامنه وسیع هر یک از موضوعات گفته شده کار یک نفر، یک گروه و حتی برای دسترسی به پاسخ نسبتاً صحیح هر یک از مسائل بالا در یک زمان و مکان محدود کار یک تیم ورزیده نیز نیست. لذا تنها اشارتی می‌توان کرد و موشکافی آن را نسبت بهر مسأله به دیگران واگذار نمود.

داستان انسان و غذا، با هبوط پدر و



## غذا، بشر، آینده

### پیشرفت‌ها و محرومیت‌ها

محمود زارع زاده

شعار امسال روز جهانی غذا زنان جهان را تغذیه می‌کنند می‌باشد و در کشور ما نیز در این روز معمولاً با پیام ریاست محترم جمهوری و حضور تعدادی از مسئولین و کارشناسان در وزارت کشاورزی برنامه‌های مخصوص این روز به اجرا در می‌آید.

وزارتخانه‌های کشاورزی، جهادسازندگی، بهداشت و درمان و سازمان محیط زیست از دستگاه‌های نزدیک و ذیربط این روز می‌باشند و کارشناسان زیادی نیز نسبت به ارائه مقالاتی در رابطه با شعار انتخابی این روز می‌پردازند.

هنگامی که از غذا صحبت می‌شود، بی‌شک موضوعات گوناگونی که در ارتباط با آن می‌باشند خود را نمایان می‌سازند. قطعاً موضوع غذا پیچیده‌ترین و فنی‌ترین موضوعاتی است که در آن صرفنظر از مصرف آن با مسائل اصلی‌تری نظیر جمعیت، محیط زیست، فقر و گرسنگی،

چند سالی است که به ابتکار فائو (سازمان خواروبار کشاورزی - ملل متحد) شانزدهمین ماه از اکتبر هر سال، به منظور معرفی عوامل مهمی که برای سیر کردن جهان رو به نگران از سیری و گرسنگی دست‌اندرکارند در سراسر جهان این روز را به نام روز جهانی غذا برگزیده است. در این روز اغلب کشورهای دنیا ضمن رد و بسدل کردن پیام‌ها توسط مقامات، مروری هم بر روند تأمین غذا برای مردم جهان می‌کنند روز جهانی غذا هر ساله با تم و یا شعار مشخصی آغاز می‌شود. در این روز مسئولین و کارشناسان زیادی در سراسر دنیا به تنظیم مقالات، سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و هر وسیله دیگر که اهمیت غذا برای انسان را نشان می‌دهد می‌پردازند و از افرادی که طی سال در اکتاف جهان در امر بهبود غذا کوشش نموده‌اند در مقر فائو سپاسگزاری و تقدیر بعمل می‌آید.

برآوردهای کارشناسی نشان می‌دهد که نیاز غذایی یک فرد در روز حدود ۲۶۷۰ کیلوکالری است که البته جهان ثروتمند از این مقدار نیز بالاتر مصرف می‌کند و در عوض در کشورهای فقیر حتی پایین‌تر از ۲۰۰۰ کیلوکالری وجود دارد.

مادر همه ما آدمیان از بهشت به زمین آغاز می‌شود، به روشنی معلوم نیست از آن زمان تاکنون چقدر و چند سال می‌گذرد ولی کشاورزان عمر موجودات فعلی روی زمین را ۶۵ میلیون سال اعلام کرده‌اند که البته انسان جزء آخرین‌ها محسوب می‌شود و میلیونها سال از بقیه موجودات عقب‌تر است.

هزاران سال بطول انجامید تا اجداد ما از غارهای جنگل بیرون آمدند و در همه جا که آب و هوای مناسبی داشت پراکنده شدند و گسسته‌اند که از ده هزار سال پیش کشاورزی را آغاز کردند و ساکن شدند. با طبیعت آزاد کنار آمدند و تدریجاً قومیت‌ها تثبیت شد و قاره‌ها تقسیم گردید و کشورها هویت بین‌المللی پیدا کردند.

بهر حال انسان مقیم جنگل مهاجر دشته‌ها شد و سنگ بنای تمدنهای مختلفه را در طول اعصار تاریخ تا به امروز بنا نهاد. از زمان پارینه سنگی جدید تا به امروز موجود هموساپینس تلاش کرده که همواره خود مختار و بدون وابستگی تبعیت از

قوانین طبیعی به زندگی ادامه دهد، یعنی آغاز تخریب محیط زیست و تسریع در افزایش جمعیت. افزایش جمعیت همواره برای جامعه بشری با بحران دائمی چه ماقبل تاریخ و چه در مابعد تاریخ بوده است.

از اواخر آخرین دوران یخبندان تاکنون آثار صنعت باعث عدم تعادل بشریت و کره زمین گردیده است اولین کشاورزان و کوزه‌گران تاریخ یعنی از ۵۸۰۰ سال قبل از میلاد مناظر طبیعی را تدریجاً تبدیل به اراضی مزروعی کرده‌اند و از آن وقت تاکنون و بویژه در عصر حاضر و بموازات روند تخریبی اکوسیستم‌ها انسان در مقابل طبیعت علی‌رغم همه ادعاهایش آسیب‌پذیر شده است.

در سالهای اخیر در محافل بین‌المللی تلاش می‌شود که توسعه صنعتی ملت‌ها را در قالب بقاء محیط زیست به مرحله اجرا درآورند، اما غالباً قابلیت‌های ملی و استعدادهای متفاوت مردمی و نیازهای گوناگون بخصوص نیاز غذایی مانع این

کار در سطح جهانی می‌شود. توبه پدر و مادر اولیه ما آدمیان و پذیرش آن توسط پروردگار، این رنج و مشقت را برای انسان بوجود آورد که اگر می‌خواهد زنده بماند باید تلاش کند، بکارد و بدرود و بخورد و اگر می‌خواهد همراه زنده ماندن سعادت‌مند نیز بشود باید دین و اخلاق را بپذیرد و رعایت کند.

غذای تمامی موجودات دنیا در نزدیکی زندگی‌شان آماده وجود دارد الا انسان که فرق فاحشی برای تأمین آن وجود دارد. تمامی موجودات دنیا اعم از تک سلولها تا پیشرفته‌ترین آنها یعنی گیاهان و جانوران غذا را همانگونه که در طبیعت وجود دارد و برای آنان ساخته شده است بدست می‌آورند مگر انسان که از ۱۰۴ عنصری که در زمین وجود دارد باید آنها را بشناسد، تجزیه کند، تبدیل نماید و آنگاه قابل مصرف برای خود نماید. آیا می‌توان گفت که انسان موجودی زمینی نیست؟

بهر حال، چه منشأ انسان زمینی باشد و چه نباشد، امروز بر روی همین زمین وجود دارد و تنها مأوای زندگی او همین زمین است و در کنار همه موجودات ولی برتر از همه آنها و در عین حال مخرب‌تر از همه.

و امروز انسان‌ها در پایان قرن بیستم و در کره زمین که تنها سیاره قابل زیستن دنیای ماست به دو نیمکره شمالی با مردمان مرفه و کم جمعیت و جنوبی با انسانهای عمدتاً جوان ولی فقیر و پر از آدمی که تنها وجه مشترک آدمهای این دو نیمکره تخریب محیط زیست، غارت منابع طبیعی با روند نیستی هستی است، بدور یا



علی رغم اینکه تولیدات غذائی امروز جهان (زراعی - دامی - دریائی) برای سیر کردن همه افراد روی زمین بحد کفایت وجود دارد ولی متأسفانه بیش از ۲۰ درصد از جمعیت کشورهای در حال توسعه گرفتار گرسنگی و فقر غذائی هستند. و این مقدار عظیم از انسانها نمی‌توانند به اندازه لازم غذا برای یک زندگی فعال در یک روز دریافت نمایند.

خود انجام می‌دهند، ضمن اینکه نگران سیل مهاجران از شرق به غرب پشت دروازه‌های خود هستند.

کمیت مهاجرین و پناهندگان سازمان ملل براین عقیده است که حداقل ۲۵ میلیون نفر در جهان در صدر پناهندگی به غرب هستند.

متأسفانه در جوامعی که با معضلات ناشی از فزونی جمعیت مواجه هستند، کمتر مسئولی مبادرت به ارزشیابی این مشکل اجتماعی نموده است و بندرت هم بطور جامع و جدی و پیگیر درصدد علاج آن برمی‌آیند. رشد بی‌رویه جمعیت دارای نوساناتی است.

غالباً در مقاطعی در جریان زندگی مردم یک کشور، بیکاری، فقر و گرانی و به امید آینده بهتر ممکن است کاهش زاد و ولد صورت پذیرد، اما این پدیده همیشه نه تنها عامل کنترل‌کننده افزایش جمعیت نیست، بلکه چنانچه احساس شود که فقر و تهیدستی برای عده‌ای در جامعه موروثی است، معادله معکوس و تولید مثل بیشتر، بعنوان عامل جمعی حمایتی بصورت اصل تنازع بقا بروز می‌کند.

افزایش بی‌رویه جمعیت تنها در شوک فرهنگی و تنگناهای اقتصادی و غیره خلاصه نمی‌شود. انبساط بی‌رویه جمعیت در هر کشوری به انقباض برنامه‌های ملی و توسعه انسانی بویژه تخریب جبران‌ناپذیر منابع طبیعی و کشاورزی آن کشور منتهی می‌شود. سرمایه‌های ملی که در این رهگذر از بین می‌روند اغلب برای همیشه

نزدیک با یکدیگر زندگی می‌کنند. از یکدیگر دورند چسرا که شمالیها پرخور و پر مصرفند، پر تولیدند و پرتکنولوژی و به یکدیگر نزدیکند چرا که جنوبیها کم خورند و کم مصرف، کم تولیدند و کم تکنولوژی و این پر و یا کم آنها را از یکدیگر دور کرده است بطوری که هر یک دیگری را نمی‌فهمند و یکی را توسعه یافته و دیگری را در حال توسعه نامیده‌اند.

در هر ثانیه سه نفر به جمعیت خانواده بشری اضافه می‌شود که در طول یکسال حدوداً به ۱۰۰ میلیون نفر بالغ می‌گردند. این مهمانان تازه وارد به عرصه هستی چنانچه در حوزه شمالیها چشم بدنیا بکشایند، در آینده بین ۳۰۰۰ تا ۲۸۰۰ کیلو کالری روزانه غذا خواهند داشت و اگر یا به عرصه جنوبیها بگذارند اکثریت آنها با ۲۰۰۰ تا ۱۵۰۰ کیلو کالری روزانه غذا، یعنی با سوء تغذیه و فقر باید قناعت کرده و چنانچه انواع بیماریها هم مجال رسیدن به دوران بلوغ را بدهند، عمر متوسط ۵۰ سال را با مصائب گوناگون سپری خواهند کرد. گر چه بسیاری از آنها در عنفوان کودکی مجبورند به مرگ رقت بار در ۵ سالگی عمر خود تن در دهند.

امروزه سیمای جهانی تبلیغات و انتشارات به گونه ایست که در کشورهای مرفه، مستمراً درباره عوارض و عواقب سوء رشد بی‌رویه جمعیت کشورهای در حال توسعه مطالب گوناگون منتشر می‌کنند و تحقیقات وسیع و پیگیری را در امر آینده نگری برای بازارهای محصولات

جبران‌ناپذیر و غیرقابل جایگزین هستند.

کره زمین دارای محدودیت هایی است.

سه عنصر اصلی برای ادامه حیات آب، هوا و خاک هر کدام با کیفیت ویژه خود متضمن حفظ انسان است. این سه عنصر پایه، غذا و زندگی انسان را می‌سازند، متأسفانه هر سه این عنصر تحت آلودگیها و تخریب و اسراف تهدید شده قرار گرفته‌اند و

نگرانیهایی زیادی را برای بشر بوجود آورده است. قدر مسلم انسان هوشمندتر از هر موجود زنده است یکی از خصلت‌های

انسان چاره جویی و جایگزینی عامل بر عامل دیگر است. انسان تنها موجودی است که خارج از چارچوبها، زندگی می‌کند.

انسان تنها موجودی است که خارج از امکانات قدم برداشته و ریسک می‌کند. اصل خلاقیت انسان در همان تجربه و ریسک نهفته است. و نوآوری دانائی آدمی است.

اگر در قرون گذشته تعادل بین مرگ و زندگی در جهت کنترل افزایش جمعیت مؤثر بود و فی المثل در رم باستان مرگ و

میر کودکان زیاد بود و متوسط طول عمر آدمی ۳۵ سال بود. فکر و روح پژوهشگر

آدمی، باعث بهبود تغذیه، بهداشت و درمان انسانها گردید. علم شیمی و تکنیک، پیمودن ره صد ساله را یک شبه میسر ساخت و

امروزه متوسط طول عمر در اروپا بیش از ۷۵ سال است و در ژاپن ۸۰ سال است.

حتی در میان جنوبیها، متوسط طول عمر بیشتر شده است. مصرف کود

شیمیائی، سموم دفع آفات و امراض نباتی و تکنولوژی میزان محصول را چندین برابر کرده است. یعنی در واقع غذا بیشتر از

دیروز است.

کشت و توسعه بذر پرمحصول و اصلاح شده، بکارگیری ماشین در مزارع، انواع تکنولوژیهای مناسب برای افزایش غذا، بهره مندی از علم بیوتکنولوژی و مهندسی ژنتیک همه و همه از فکر و روح پژوهشگر آدمی است که برای جابجائی به



افزایش جمعیت و غلبه بر گرسنگی در جهان متبلور شده است اما با همه این حرفها وقتی تراز نامه وضعیت انسانها را بدقت مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهیم هنوز محرومیت‌های زیادی برای انسان و آنهم در حوزه جهان سوم‌ها دیده میشود. ترازنامه توسعه انسانی که توسط UNDP و در سال ۱۹۹۰ تهیه شده است عمق شرمساری و خجالت را برای جهانیان مضاعف می‌کند.

ترازنامه توسعه انسانی که پیشرفت‌های انسانی و محرومیت انسانی را یک جا و در دهه آخر قرن بیستم نشان می‌دهد را با هم و با دقت مرور می‌کنیم.

ترازنامه توسعه انسانی

پیشرفت‌های انسانی

طول عمر:

متوسط طول عمر در کشورهای جهان سوم در سه دهه قبل پیشرفت داشته و اکنون معادل ۸۰ درصد متوسط طول عمر در کشورهای پیشرفته می‌باشد.

کشورهای جهان سوم اکنون بیش از پنج برابر کشورهای پیشرفته در مقطع آموزش ابتدایی دانش‌آموز دارند ۴۸۰۰ میلیون در برابر ۱۰۵ میلیون جهان سوم ۱/۴ میلیارد نفر باسواد دارد و کشورهای پیشرفته تقریباً یک میلیارد نفر.

نرخ سوادآموزی در جهان سوم از ۲۳ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۶۰ درصد در سال ۱۹۸۵ رسیده است. درآمد:

متوسط درآمد سرانه در کشورهای در حال توسعه بین سالهای ۱۹۶۵ و ۱۹۸۰ تقریباً ۳ درصد افزایش داشته است. سلامتی:

بیش از ۶۰ درصد مردم جهان سوم امروز به خدمات تندرستی دسترسی دارند. بیش از دو میلیارد نفر از مردم کشورهای در حال توسعه اکنون به آب

نوشیدنی سالم دسترسی دارند.

محرومیت انسانی

متوسط طول عمر در جهان سوم هم اکنون ۱۲ سال کوتاهتر از متوسط طول عمر در کشورهای پیشرفته میباشد. هنوز حدود ۱۰۰ میلیون کودک از دسترسی به مدرسه ابتدایی محرومند.

نزدیک به ۹۰۰ میلیون نفر از افراد بالغ جهان سوم بی‌سوادند

نرخ سواد آموزی هنوز فقط ۴۱ درصد در جنوب آسیا و ۴۸ درصد در آفریقای صحرا است.

بیش از یک میلیارد نفر در جهان سوم در فقر مطلق زندگی می‌نمایند.

درآمد سرانه در دهه ۱۹۸۰ در آفریقای صحرا ۲/۴ درصد و آمریکای لاتین ۰/۷ درصد در سال کاهش یافته است.

حدود ۱/۵ میلیارد نفر از مردم جهان

سوم از خدمات اولیه تندرستی محرومند.

۱/۷۵ میلیارد نفر از مردم هنوز

دسترسی به منابع آب سالم ندارند.

تراز نامه توسعه انسانی

پیشرفت‌های انسانی

محرومیت انسانی

سلامتی کودکان:

نرخ مرگ و میر کودکان زیر پنجسال بین سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۸۸ به نصف رسیده است.

مصون کردن کودکان در مقابل بیماری‌ها از سرعت زیادی برخوردار شده و در سالهای دهه ۱۹۸۰ از ۳۰ درصد به ۷۰ درصد افزایش یافته است که خود موجب شده است که ۱/۵ میلیون نفر سالانه از مرگ نجات یابند.

غذا و تغذیه

متوسط مصرف کالری بین سالهای



۱۹۶۵ و ۱۹۸۵ معادل ۲۰ درصد افزایش یافته است.

متوسط غذاهای کالری را از ۹۰ درصد مجموع احتیاجات در سال ۱۹۶۵ به ۱۰۷ درصد در سال ۱۹۸۵ افزایش یافته است. بهداشت:

۱/۵ میلیارد نفر دسترسی به تسهیلات بهداشتی کافی دارند. زنان:

نرخ رشد برای دختران مدرسه رو نسبت به سران دو برابر سریعتر بوده است.

#### محرومیت انسانی

هنوز ۱۴ میلیون کودک سالانه قبل از اینکه به سن ۵ سالگی برسند از بین میروند. تقریباً سه میلیون کودک هر سال بعلت بیماریهایی که مصونیت‌پذیر می‌باشند از بین می‌روند.

حدود ۱/۶ مردم کشورهای جهان هنوز هر روز گرسنه‌اند.

۱۵۰ میلیون کودک زیر پنجسال (یک به سه از مجموعه کودکان در این سن) در جهان سوم بطور جدی از سوء تغذیه رنج می‌برند.

تقریباً سه میلیارد نفر هنوز بدون بهداشت کافی زندگی می‌کنند.

در کشورهای جهان سوم نرخ سوادآموزی دختران هنوز ۲/۳ پسران است. نرخ مرگ و میر مادران در کشورهای جهان سوم ۱۲ برابر کشورهای پیشرفته است.

بسیدهی است که از موفقیت‌های کشورهای جهان سوم می‌بایست بشدت استقبال نمود ولی برای از بین بردن انبوه فقر نیز چاره‌ای باید اندیشید.

بدترین وضعیت فقر را می‌توان در کم غذایی و گرسنگی افراد فقیر دانست. و آن وقتی است که امنیت غذایی وجود نداشته باشد.

امنیت غذایی به معنای غذایی است که

یک فرد در یک روز نیاز دارد و باید به او برسد تا بتواند کار کند و از سلامت برخوردار باشد. هر چند بر مجموع سرانه غذا در سطح جهان نسبت به ۳۰ سال قبل ۱۸ درصد افزوده شده است اما مطالعه امنیت غذایی در جهان حاکی از آن است که بالغ بر ۱۰۰ کشور جهان از چنین امنیتی برخوردار نیستند.

برآوردهای کارشناسی نشان می‌دهد که نیاز غذایی یک فرد در روز حدود ۲۶۷۰ کیلوکالری است که البته جهان ثروتمند از این مقدار نیز بالاتر مصرف می‌کند و در عوض در کشورهای فقیر حتی پایین‌تر از ۲۰۰۰ کیلوکالری وجود دارد.

فرانسوا متیران رئیس جمهوری اسبق فرانسه در مصاحبه با یکی از روزنامه‌ها در سال ۱۹۸۱ گفته بود:

۵۰ میلیون انسان هر سال از گرسنگی می‌میرند. آیا این آدمکشی بی سروصدا قابل قبول است؟

۸۰۰ میلیون انسان در وضعیت فقر مطلق زندگی می‌کنند. چگونه می‌توان از حقوق بشر سخن به میان آورد، هنگامی که نخستین این حقوق، یعنی حق سیر کردن شکم خود، وجود ندارد؟

علی‌رغم اینکه تولیدات غذایی امروز جهان (زراعی - دامی - دریایی) برای سیر کردن همه افراد روی زمین بحد کفایت وجود دارد ولی متأسفانه بیش از ۲۰ درصد از جمعیت کشورهای در حال توسعه گرفتار گرسنگی و فقر غذایی هستند. و این مقدار عظیم از انسانها نمی‌توانند به اندازه لازم غذا برای یک زندگی فعال در یک روز دریافت نمایند.

در حالی که تعداد گرسنگان جهان از مرز ۸۰۰ میلیون نفر گذشته است و بیش از ۲/۳ کودکان در جنوب آسیا در رنج سوء تغذیه و کم وزنی قرار دارند، در همین حال آمریکا تقریباً معادل دو سال تجارت گندم در جهان، غله در انبارهای خود

ذخیره دارد. و ذخیره گوشت نیز در اروپای غربی معادل ۳۰ درصد تجارت گوشت در جهان می‌باشد.

در حالی که صدها میلیون انسان در کشورهای جهان سوم بدلیل دسترسی به مواد غذایی ندارند و تمامی اعضاء خانواده آنان نیز مجبور به کارهای بسیار طاقت فرسا و سخت می‌شوند تا لقمه‌ای نان بدست آورند ولی باز هم قادر به سیر کردن شکم خود نمی‌باشند، مجموع هزینه غذایی ۳۲۲ میلیون نفر اروپائی (غربی) از ۴۵۰ میلیارد دلار در سال می‌گذرد.

تولید جهانی گندم در سال ۱۹۹۱، نزدیک به ۶۰۰ میلیون تن و برنج از مرز ۵۱۷ میلیون تن گذشته است و گوشت نیز بعنوان یک ماده اصلی غذایی در همین سال به میزان ۱۷۵ میلیون تن در جهان تولید شده است و ماهی نیز از مرز ۱۰۰ میلیون تن گذشت. چنانچه جمعیت جهان را در همین سال که ۵/۲ میلیارد نفر بوده است در نظر بگیریم و توزیع غذا منصفانه و عادلانه باشد تمامی انسانهای روی زمین می‌توانند دسترسی به غذا بطور کافی داشته باشند. پس چرا حدود ۲۰ درصد از همین جمعیت در گرسنگی به سر می‌برند؟

در حالی که در کشورهای در حال توسعه کودکان مظلوم فراوانی یافت می‌شوند که دسترسی آنها حتی به یک کاسه غذا میسر نیست، در همان حال بسیاری از مادران آمریکایی و اروپائی به مطب پزشکان مراجعه می‌نمایند و کله از این دارند که فرزندانشان از خوردن دو وعده گوشت در روز خودداری می‌کنند و چاره این درد عظیم را از پزشک خواستار می‌شوند.

در یکی از اجلاسهای مربوط به گات (موافقت عمومی درباره تعرفه و تجارت) در سال ۱۹۹۰ نماینده بنگلادش اظهار شد: که مجموع صادرات کالای بازرگانی ۲۱ کشور عقب افتاده که جمعیتی معادل ۲۲۰ میلیون

نفر را دربر دارد برابر با ۱۰ میلیارد دلار می‌باشد که این مقدار معادل ۵۲ صدم درصد صادرات کالای بازرگانی در جهان می‌باشد که در واقع این مقدار به اندازه نوسان ماهیانه صادرات کالای بازرگانی آمریکاست. مضافاً بر اینکه ۷۰ درصد از مجموع کالاهای صادر شده نیز مواد اولیه می‌باشند یعنی اینکه تنها معادل ۳ میلیارد دلار کالای صادراتی کشورهای عقب افتاده وارد بازارهای کشورهای توسعه یافته می‌شود که این مقدار معادل یک دهم درصد صادرات کالای بازرگانی در جهان می‌باشد.

بنگلادش و بسیاری دیگر از کشورهای جهان گرفتاریهای غذایی زیادی دارند، بنگلادش ۵۰ میلیون نفر از جمعیت ۱۲۰ میلیونی خود را به درستی نمی‌تواند تغذیه کند. یکی از محققین بنگلادشی گفته است در کشور ما هر ساله هزاران نفر با شناسنامه یک انسان، متولد می‌شوند ولی در شأن یک انسان نمی‌میرند و رنگ زندگی انسان را لحظه‌ای به خود نمی‌بینند.

کارشناسان معتقدند که برای دسترسی داشتن به غذا باید از درآمد لازم برخوردار بود و بدیهی است که لازمه درآمد نیز اشتغال است متأسفانه نه غذا، نه درآمد و نه اشتغال در بسیاری از کشورهای جهان سوم بیش از هر نمودی دیگر خود را نمایان می‌نمایند.

آفریقا، بعنوان یک قاره بزرگ که آگاهان امر توسعه اعتقاد دارند حتی تا ۳۰ سال دیگر هم نمی‌تواند ضمن بکارگیری همه تکنولوژیها به اندازه امروز آمریکا غذا تولید کند از همه مردم دنیا وضع نگران کننده‌تری دارد. این قاره که تا ۲۵ سال دیگر جمعیت آن دو برابر و نیم خواهد شد از توسعه نیافتگی در رنج است و به اعتقاد همین آگاهان امر توسعه، و نیز محققین اصلاح دام در آزمایشگاه بین المللی تحقیقات بیماری دام در نایروبی (کنیا)



چنانچه فقط دو بیماری انگلی دامی در آفریقا که عبارتند از بیماری تریپانوزوم (بیماری خواب) و تب ساحل شرقی کنترل شوند می‌توان انتظار داشت که تولید گوشت و لبنیات افزایش چشمگیری یافته در نتیجه سطح تغذیه میلیونها آفریقائی بالاتر رود و علاوه بر آن زارعین آفریقائی قادر خواهند تا با استفاده از کودهای حیوانی و استفاده آن در زمین زراعی عملکرد محصول در واحد سطح را افزایش دهند.

این دو بیماری امروزه میلیونها دام که باید غذای مردم را تأمین نماید بهمراه مردم از بین می‌روند و متأسفانه به این دو، بیماری بسیار خطرناک و کشنده ایدز را نیز باید افزود.

بعلت وجود بیماری تریپانوزوم در آفریقای سیاه، از هر رأس دام هفتاد برابر کمتر پروتئین که در اروپا تولید میشود بدست می‌آید.

از سوی کارشناسان بین المللی یک تعریف عمومی همیشه بیان می‌گردد که:

فقر و گرسنگی در سطح جهان معلول توزیع ناعادلانه و اسراف در مواد غذایی است. زیرا در جهان بحد کافی غلات و غذا تولید می‌شود، بطوریکه سهم سرانه هر فرد در جهان معادل ۳۶۰۰ کیلوکالری

## فقر، گرسنگی، بیکاری، افزایش بی رویه جمعیت، نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی و همچنین تخریب محیط زیست از گرفتاریهای بزرگ جهان سوم است و ضرورت دارد در رأس برنامه‌های این کشورها رفع این گرفتاریها مورد بررسی دائمی باشد.

می‌باشد که این مقدار ۱۰۰۰ کالری بیشتر از نیاز غذایی انسان می‌باشد، اما مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که در سالهای دهه ۱۹۸۰، رشد سرانه دسترسی به مواد غذایی در کشورهای در حال توسعه نسبت به دو دهه قبل از آن در مجموع کمتر بوده است.

چرا کشورهای جهان سوم نمی‌توانند به اندازه کافی غذا تولید کنند؟

پاسخ به این سوال را از دو زاویه می‌توان مورد بررسی قرار داد، اول آنکه معمولاً کشورهای جهان سوم با عملکردهای منفی منفی توسعه اقتصادی که غالباً هم با رشد جمعیت آنان همراه بوده است بطوریکه بعضاً هم از رشد تولید مواد غذایی آنان بیشتر بوده است در این سالها مواجه بوده‌اند و مضافاً آنکه اختلال در اقتصاد کلان آنان مانع از آن شده است که این کشورها بتوانند سیاست‌های آگاهانه برای توسعه کشاورزی خود اتخاذ نمایند. عوامل مهمی نظیر فقر، گرسنگی، بیکاری، تخریب محیط زیست، حکومت کودتاها و نفوذ قبیله‌ها (در آفریقا)، بدهی‌های وسیع بعضاً غیرقابل پرداخت، فرار مغزها و جریان معکوس سرمایه‌ها از جهان سوم به کشورهای پیشرفته و چندین عامل دیگر نظیر کشت و کار ضعیف و سازمان نایافته، کوچک شمردن تحقیقات و نیز عدم توانایی در تهیه تأمین نهاده‌های کشاورزی و بروز سیل و خشکسالی و چندین عامل مهم دیگر از جمله عواملی هستند که در این مرحله از آنها می‌توان نام برد و هر یک از آنها هم بنوبه خود بسیار مهم و اساسی هستند. کشورهای آفریقائی (سیاه) امروزه

معادل ۱۰۶ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را بدهکار می‌باشند و این رقم برای کشورهای آمریکایی لاتین ۳۷/۴ درصد می‌باشد که این مقدار نیز البته خیلی زیاد است. بدهی بالای کشورهای جهان سوم به آن مفهوم است که اینان قسمت زیادی از ارزهای دریافتی حاصل از صادرات خود را بایستی فقط برای پرداخت بهره و امها پرداخت نمایند که این پدیده بدهی است سال به سال وضعیت اقتصادی آنها را بدتر خواهد نمود.

البته کشورهای هم در حوزه کشورهای عقب افتاده وجود دارند که قادر به پرداخت حتی بهره بدهی‌شان نیستند. چنانچه کشوری در انبوهی از بدهکاری قرار گیرد آنگاه نه تنها جریان سرمایه معکوس خواهد شد بلکه حتی سرمایه گزاران خارجی نیز بدلیل بد حسابی این کشورها علاقمند به سرمایه گذاری نخواهند بود طبق یک بررسی، جریان معکوس سرمایه از کشورهای در حال توسعه به کشورهای پیشرفته بالغ بر ۵۴ میلیارد دلار در یک سال بوده است. در همین رابطه ناکارآئی سازمانهای دولتی و نیز مقررات خشک و دست و پاگیر را باید در این امر دخیل داشت. در این نوع کشورها غالباً جریان سرمایه از روستاها به شهرها از شهرها نیز به شهرهای بزرگتر و بعضاً هم به خروج سرمایه از کشور منجر خواهد شد. از این گذشته بالا بودن درصد شاغلین کشاورزی در آفریقا بالغ بر ۶۸ درصد و در آسیا حدود ۶۰ درصد و در آمریکای لاتین نزدیک به ۳۰ درصد است و در کل کشورهای جهان این درصد بالغ بر ۵۵

درصد در سال ۱۹۸۹ بوده است. این مقدار در کشور ما درحد ۲۵ درصد برآورد شده است. این اعداد حاکی از آنست که در بخشی از کشورهای جهان سوم کشاورزان در پدیده خود معیشتی باقی می‌مانند و لذا ضمن اینکه فاقد پس انداز خواهند شد انگیزه‌ای نیز برای سرمایه گذاریهای لازم پیدا نخواهند کرد(هر چند اصولاً پس اندازی نخواهند داشت تا سرمایه گذاری نمایند) و در چنین حالاتی بخاطر محدودیت در منابع دولت، دولت نیز قادر نخواهد بود که سرمایه گذاریهای اولیه را بخوبی به انجام برساند و مضافاً اینکه اصولاً دولتهای کشورهای جهان سوم استراتژی صنعتی را برکشاورزی مقدم می‌دارند و متأسفانه در چنین استراتژی نیز تاکنون موفق نبوده‌اند.

دوم آنکه نمی‌توان تمامی شکست‌های اقتصادی و بویژه در بخش کشاورزی را صرفاً در درون کشورهای جهان سوم جستجو نمود بلکه سیاست‌های اقتصادی کشورهای پیشرفته نیز بضرر کشورهای در حال توسعه تمام شده است.

کشورهای پیشرفته به علت اضافه تولید محصولات کشاورزی که بخشی از آن بدلیل بهره‌مندی از تکنولوژی و بخشی بدلیل پرداخت یارانه سنگین به تولید کننده محصولات کشاورزی می‌باشد تاکنون همواره به زیان بازار محصولات کشاورزی کشورهای جهان سوم کارکرده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در بسیاری از سالها بخصوص برای بعضی از کالاها نظیر قهوه و کاکائو که تولید منحصر به در کشورهای جهان سوم میباشد کاهش قیمت خیلی شدید بوده است ولی برعکس تولیدات صنعتی در همین سالها از افزایش چشمگیری برخوردار بوده‌اند. از طرف دیگر کشورهای توسعه یافته و بویژه در حوزه OECD (بخصوص آمریکا، اتحادیه اروپا، ژاپن، وکانادا) در





اتحادیه اروپا گوشت بسیار مرغوب خود را به برزیل بازاری هر تن ۴۹۰ دلار فروخته است و این در حالی است که تولید همین مقدار گوشت برای خودش ۱۲۰۰ دلار تمام شده است.

ژاپن برای تولید یک تن برنج حدود ۱۰ برابر قیمت جهانی آن هزینه می‌کند.

اتخاذ چنین سیاست‌هایی منجر به این شده است که کشورهای غربی با اضافه تولید مواجه بوده و در نتیجه موجب نابسامانی و بی‌نظمی در امر بازرگانی و تجارت محصولات زراعی در سطح جهان شده است.

چنین رابطه‌ای در تولید محصولات کشاورزی در کشورهای غربی مشکلاتی را برای کشورهای جهان سوم بویژه در زمینه تولید غذا بوجود می‌آورد که اهم آنها عبارتند از:

۱- از آنجائیکه خرید و فروش کالاهای کشاورزی در واقع ارزانتر از هزینه تولید می‌باشد، لذا بسیاری از کشورهای جهان سوم بدام این قضیه می‌افتند و از سروسامان دادن جدی به کشاورزی خود غافل می‌شوند.

۲- بسیاری از کشورها (جهان سوم) با وجود اینکه از قابلیت‌های خوب تولید برخوردارند، منتهی بعلت عدم تواناییهای موجود، در سطح بین‌المللی قادر به رقابت نبوده و در نتیجه در حد پائین خود معیشتی باقی می‌ماند.

۳- کلید و رهبری صدور کالای کشاورزی در دست کشورهای غنی قرار می‌گیرد و در واقع تئوری اسلحه غذا قویتر از هر سلاح به واقعیت نزدیک می‌شود.

۴- مهمتر از همه آنکه، بعلت نابسامان بودن تولید محصولات زراعی تا رسیدن به سطح بین‌المللی، برای بسیاری از کشورها تزلزل سیاست‌گذاری اصولی و اساسی در داخل کشور را تحقق می‌بخشد و این تزلزل موجب بهم ریختگی و عدم رغبت سرمایه

یک شهروند اروپایی بالغ بر ۴۱۰ دلار به ازاء هر گاو شیری در اروپا به صاحب این دام البته از طریق دولت یارانه پرداخت می‌کند و در اکثر مواقع پولی که به دامداران اتحادیه اروپا پرداخت می‌شود بیشتر از پولی است که برای واردات مواد غذایی و تولید شیر پرداخت می‌شود.

حمایت‌های وسیعی که در آمریکا در جهت تولید شکر از طریق سایر جانشین‌های بعمل می‌آید موجب آن شده است که مصرف شکر بطور مستقیم و غیر مستقیم بین سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۶ سالیانه بین یک تا ۳/۵ میلیون تن از مصرف آن کاسته شده است و مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که سیاست‌های حمایتی از آمریکا از تولید شکر موجب شده است که قیمت جهانی آن از ۱۱/۴ دلار برای هر لیبر مکعب (۱LB) به ۴ دلار بازاری هر لیبر مکعب برسد. یارانه‌های تولیدی که آمریکا به تولیدکنندگان محصولات کشاورزی خود می‌دهد تقریباً معادل نصف درآمدی است که از مزرعه بدست می‌آید.

سال ۱۹۸۹ حدود ۲۴۵ میلیارد دلار رایانه به کشاورزان خود پرداخت کرده‌اند، این رقم بسیار سنگین در سال ۱۹۹۴ بالغ بر ۳۴۰ میلیارد دلار بوده است. با این پرداخت یارانه سنگین کدام یک از کشورهای جهان سوم می‌توانند در بازارهای جهانی رقابت نمایند و یا برای خود غذا تولید کنند. OECD سهم واردات خود را از کشورهای جهان سوم در سال ۱۹۸۹ تقریباً ده درصد کاهش داده است و این روند همچنان ادامه دارد.

بیوتکنولوژیستها با تهیه فروکتوز از ذرت که ۱/۷ برابر شیرین‌تر از شکر و ۳۰ درصد نیز از لحاظ قیمت ارزانتر از شکر است در حال جایگزین کردن این ماده بجای شکر هستند و در نتیجه شکر که یک کالای تولیدی در کشورهای جهان سوم است ورودش به کشورهای پیشرفته کاهش خواهد یافت. واردات شکر توسط آمریکا از فیلیپین که در سال ۱۹۸۰ در حدود ۶۰۰ میلیون دلار بود در سال ۱۹۸۷ به حدود ۶۰ میلیون دلار رسید. همین موضوع در مورد دانه‌های روغنی نیز در حال وقوع می‌باشد.



گذاری در بخش کشاورزی می‌شود. و امروزه این درد بزرگی است که اغلب کشورهای جهان سوم بویژه فقیرترین آنها با آن مواجه‌اند.

۵ - و باز مهمتر آنکه اغلب کشورهای جهان سوم ناگزیر دست نیاز بسوی کشورهای غنی بمنظور تأمین غذا دراز می‌کنند و این یعنی خطری که دائماً دولتها را تهدید می‌کند.

۶ - مکانیسم بازارهای جهانی در امر معاملات محصولات کشاورزی در سالیان اخیر همواره به زیان کشورهای جهان سوم بوده است و این درحالی است که کالاهای صنعتی عکس این حالت را داشته است. این امر نیز خود موجب عدم توسعه یافتگی کشورها می‌شود. بررسیهای بدهیهای کشورهای درحال توسعه که در سال ۱۹۹۲ از مرز نجومی ۱/۳۵ هزار میلیارد دلار گذشته است نشان می‌دهد که قسمتی از آن در گرو همین مکانیسم نابرابر در بازار جهانی بوده است.

بهر حال برای بررسی علل ناکامی کشورهای جهان سوم در روند برنامه‌های توسعه و نیز تولید غذا باید هر دو مورد بحث شده را مورد توجه قرار داد و باصطلاح هر دو روی سکه بایستی مورد ملاحظه قرار گیرد. مطمئناً برندگان این قضیه کسانی خواهند بود که دقیقاً به توانائیهای خود متکی باشند و در سطح بین المللی نیز قدرت رقابت را پیدا نمایند.

### منابع تولید

آب، خاک، جنگلها، مراتع، تنوع ژنتیکی در گیاهان و جانداران بااضافه فن و تکنیک از جمله منابع اصلی تأمین غذا می‌باشند. انسان در خلق این منابع بجز فن و تکنیک نقشی ندارد و در واقع وجود چنین منابعی از ابتداء و بدون حضور انسان طراحی شده است.

اساساً سطح کره زمین ۱۳/۵ میلیارد هکتار می‌باشد که حدود ۶۰ درصد وسعت

آن را صحراهای خشک سوزان، مناطق قطبی یخ زده و کوهستانها تشکیل می‌دهد. حدود ۱/۵ میلیارد هکتار زمین زیر کشت می‌باشد که معادل ۱۱ درصد کل سطح زمین است و حداکثر زمین قابل کشت معادل ۲/۵ میلیارد هکتار است. در کشورهای جهان سوم برای تأمین غذای هر فرد حداقل به ۹٪ هکتار زمین نیاز است.

مراتع و چراگاههای زمین حدود ۳/۴ میلیارد هکتار یعنی حدود دو برابر کشتزارها هستند که حدود ۳/۳ میلیارد دام بر روی این مراتع تغذیه می‌کنند. از مجموع آب شیرینی که در طبیعت وجود دارد حدود ۷۵ درصد آن در کشاورزی و برای تأمین غذا استفاده می‌شود.

منابع فوق تأمین کننده غذای امروز جمعیت جهان و همچنین فزایندهای دیگر هستند. بدیهی است که توزیع منابع بطور یکنواخت در کل جغرافیایی زمین وجود ندارد. مثلاً در حال حاضر و طبق برآورد سازمان ملل نزدیک به ۸۰ کشور جهان که بیش از ۴۰ درصد جمعیت جهان را در بر می‌گیرد دچار کمبود آب می‌باشند. روشن است که همه چیز آدمی با وجود آب میسر می‌گردد و حتی بدون خاک می‌توان همه چیز را کاشت ولی بدون آب هرگز.

کشورهای شمال آفریقا و خاور نزدیک و میانه دقیقاً از جمله کشورهایی هستند که کمبود آب در آنها محسوس است.

گزارشات موجود حکایت از آن دارد که مسئله آب در کشورهایی مانند الجزایر، مصر، عراق، اردن، مراکش، عمان، عربستان سعودی، سودان، سوریه، تونس و یمن در آینده‌ای نه چندان دور بحران هائی را بوجود خواهند آورد. رودخانه هائی مانند دجله و فرات و نیل که از چندین کشور در خاور میانه و شمال آفریقا می‌گذرد امروزه کشمکش‌های جدی را بین کشورهای بهره‌مند از این رودخانه‌ها بوجود آورده است بنحوی که بعضی‌ها را

عقیده بر این است که در آینده بحران آب در این مناطق جنگ ناخواسته‌ای را پیش روی دارد. البته بحران آب فقط در خاورمیانه وجود ندارد بلکه در خیلی جاهای دیگر کشمکش هائی را بوجود آورده است نظیر رودخانه کلرادو در آمریکا و مکزیک که مسأله ساز شده است.

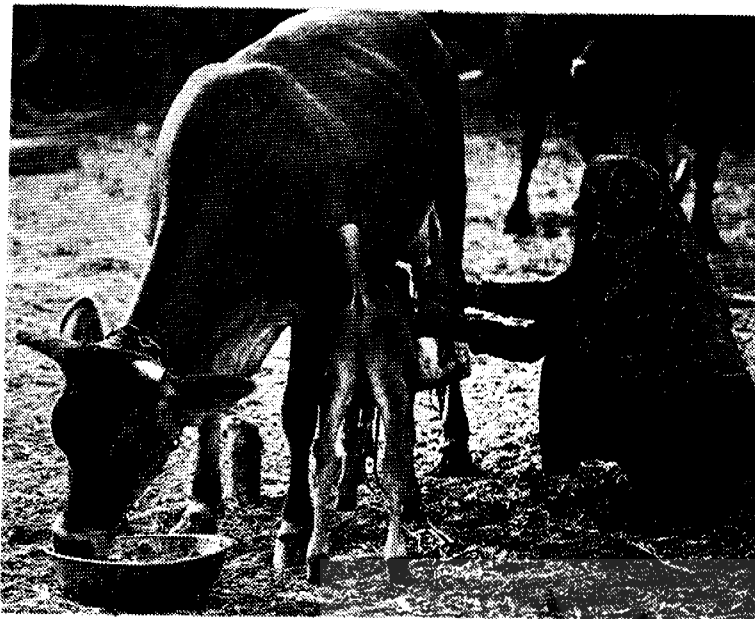
از ۱۶۴ میلیون هکتار کشور ما، حدود ۱۲/۲ میلیون هکتار اراضی جنگلی و شبه جنگلی است (۷/۴ درصد وسعت کشور) و ۹۰ میلیون هکتار مراتع با قابلیت تولید ۲۰ میلیون تن علوفه که بالغ بر ۱۲۰ میلیون واحد دامی در آن چرا می‌کنند. ۴/۵ میلیون هکتار تحت مناطق مسکونی، دریاچه‌ها، مردابها، هامونها، جاده‌ها و غیره است.

سالیانه حدود ۱۲ تا ۱۴ میلیون هکتار تحت بهره برداری زراعت و باغات است و با در نظر گرفت آیش، بالغ بر ۴۲ میلیون تن محصولات کشاورزی تولید می‌شود که جوابگوی ۲۰ میلیون نفر است و در حال حاضر برای ۲۰ میلیون نفر باید غذا وارد کرد. سالیانه حدود ۲۳ میلیون تن سبزیجات و صیفی جات و حدود ۹ میلیون تن میوه جات نیز تولید می‌گردد که در چرخه غذایی مردم کشورمان قرار می‌گیرد.

طبق برآوردهای انجام شده از هر هکتار زمین مزروعی غذای ۳/۲ نفر از جمعیت کشور تأمین می‌شود که از این مقدار در اروپا غذای ۱۰ تا ۱۲ نفر بدست می‌آید.

حدود ۴۶/۵ درصد کالری غذایی روزانه یک خانوار شهری و حدود ۶۰ درصد کالری روزانه یک خانوار روستائی در ایران تنها از طریق غلات بویژه نان تأمین میشود. یک فرد بالغ پویا روزانه بطور متوسط به بیش از ۲۴۰۰ کیلوکالری غذا نیاز دارد و کسانی که کارهای سخت بدنی انجام می‌دهند حداقل به ۳۴۰۰ کیلوکالری غذا نیازمندند و حداقل ۴۰ درصد کالری

فرانسوا میتران رئیس جمهوری اسبق فرانسه در مصاحبه با یکی از روزنامه‌ها در سال ۱۹۸۱ گفته بود:  
 ۵۰ میلیون انسان هر سال از گرسنگی می‌میرند. آیا این آدمکشی بی سروصدا قابل قبول است؟



باید از پروتئین حیوانی تأمین گردد.

با توجه به گرایش‌های عمومی کشورهای بویژه کشورهای پیشرفته و آنهایی که در حال صنعتی شدن هستند) مبنی بر تأمین هر چه بیشتر پروتئین از حیوانات بویژه از طریق ایجاد گاو‌داری‌های صنعتی، مرغ‌داری‌ها، پرورش ماهی و آبزیان، دولت‌ها غالباً کوشش می‌نمایند که این بخش را بیش از گذشته تقویت نمایند. البته فرضیه‌ای هم در این رابطه وجود دارد که معتقد است جوامعی که پروتئین مورد نیاز خود را از طریق دانه (غلات) تأمین می‌نمایند عمدتاً میل به اعانه‌گیری در آن زیاد می‌شود و هوشمندی یک جامعه را منوط به مصرف پروتئین از انواع گوشت می‌دانند. بعضی‌ها می‌گویند کره جنوبی مصداقی از تأیید این فرضیه است چرا که کره زمانی توانست به یک کشور صنعتی تبدیل شود که در برنامه‌های خود توسعه گاو‌داری‌ها و طیور را قرار داد و بیش از ۶۰ درصد غلات تولید شده خود را به مصرف خوراک و دام و طیور رساند، اینها می‌گویند مادام که قاطبه مردم کره برنج خوار بودند خبری از خلاقیت نبود.

سهم سرانه پروتئین در کشور ما روزانه ۱۲ گرم و مقدار مورد نیاز اعمال فیزیولوژیک بدن انسان حداقل ۵۰ گرم در روز است. در سال ۱۳۷۳ جمع تولیدات پروتئین کشور به ۶ میلیون و ۵۰ هزار تن رسیده است که حدود ۹۳/۵ درصد پروتئین مورد نیاز مردم کشور در داخل تأمین می‌گردد. مصرف سرانه پروتئین در کشورهای پیشرفته به مراتب بیش از ماست.

بهر حال، با توجه به منابع تولید در کشورمان و نیز بخشی از مواد غذایی که از

خارج وارد میشود و به شرط توزیع صحیح مواد غذایی کشور می‌توان گفت که امنیت غذایی در کشور ما وجود دارد اما تا رسیدن به استانداردهای بین‌المللی (بلحاظ مصرف مواد غذایی و بویژه پروتئین) مورد نیاز باید گام‌های زیادی برداشته شود این منطقی نیست که ما بخشی از دارایی‌های حاصل از نفت را مصرف واردات مواد غذایی نمائیم و نیز این منطقی نیست، ما در عین اینکه سالیانه و طبق برآوردهای کارشناسی حدود ۲/۵ میلیون تن ضایعات گندم در کشور داریم بمنظور تأمین بیشتر غلات فشارهای مضاعف بر عرصه‌های منابع طبیعی کشورمان (جنگل و مرتع) که بسیار آسیب‌پذیر هستند وارد نمائیم.

منابع تولید مواد غذایی در کشور ما جغرافیای ۵۰ تا ۶۰ هزار روستا پراکنده است، و قریب به چهار میلیون خانوار کشاورز به کشت و کار و تولید در این منابع اشتغال دارند که در واقع اینها باید غذای بیش از شصت میلیون مردم کشور را تأمین نمایند.

اگر موضوع بهره‌وری و نیز استفاده از دانش و بکارگیری تکنولوژی برای افزایش مواد غذایی موثر است باید به این چهار میلیون بهره‌بردار توجه‌ای عمیق شود. و این امر ضروری‌ترین و حتی اولیه‌ترین گرایش‌هاست که باید در موضوع توسعه کشور وجود داشته باشد. تا سال ۱۴۰۰ یعنی تا ۲۳ دیگر جمعیت کشور ما از مرز ۱۰۰ میلیون خواهد گذشت بدیهی است امکان عملی برای ۲ برابر کردن مجموعه منابع تولید در ظرف این مدت بسیار کم است یعنی نمی‌توان در این مدت مثلاً اراضی زیر کشت برنج کشور را دو برابر کرد ولی می‌توان عملکرد واحد سطح را به مراتب افزایش داد.

بنابراین در بخش تأمین غذا برای مردم کشور از هم اکنون باید امکانات عملی را با دید یک جمعیت بالغ بر ۱۰۰ میلیونی مردم کشورمان در نظر داشته باشیم و شالوده آنرا از هم اکنون بریزیم تا بتوانیم مدعی باشیم که در این بخش می‌توانیم به توسعه پایدار برسیم.



## فقرزدایی و تعاون

از: مریم طبرستانی

۲

باید این نکته را مد نظر داشت که شرکتهای معدنی خصوصی نیز گرچه می‌توانند مانند شرکتهای تعاونی معدنی، روستاییان بیکاران را جذب نمایند اما از نظر محرومیت زدایی نمی‌توانند نقش شرکتهای تعاونی را ایفا کنند، زیرا در شرکتهای خصوصی ارزش افزوده حاصله عمدتاً نصیب کارفرما شده و بخشی از آن به صورت دستمزد به کارگران، که در حقیقت همان بیکاران روستایی جذب شده هستند، می‌رسد. در این گونه شرکتهای کارگر از تضمین شغلی برخوردار نبوده و باتوجه به غیرماهر بودن وی از یک سو و خیل متقاضیان کار در مناطق روستایی از سوی دیگر، از حداقل حقوق و دستمزد برخوردار است که نتیجتاً این مقدار درآمد نخواهد توانست نقش مفصلی در رفع محرومیت کارگر داشته باشد. درحالی‌که در شرکتهای تعاونی معدنی ارزش افزوده حاصله بین کلیه اعضا تقسیم شده و در نتیجه هر یک از اعضا یا در واقع کارگران درآمد قابل قبولی را از این طریق کسب

می‌کنند که می‌تواند نیازهای اساسی آنها را تأمین نماید.

در اینجا به یک نمونه از شرکتهای تعاونی معدنی که در یکی از نقاط محروم کشور ایجاد شده به نام شرکت تعاونی شماره ۱۵۱ پوکة قزلچه کند اشاره می‌گردد.

روستای قزلچه کند از محرومترین روستاهای استان کردستان در ۲۶ کیلومتری شهرستان قروه واقع و ۲۰ کیلومتر از مسیر مذکور خاکی است. از لحاظ معیشتی ساکنین این روستا در حد بسیار پایینی قرار داشته و برخلاف سایر روستاها فاقد زراعت و دامداری می‌باشد، زیرا روستا فاقد مرتع و زمین زراعتی مناسب است.

تعداد اعضا اولیه این شرکت ۷۰ نفر و تعداد اعضا در پایان سال ۱۳۷۳، ۲۵۰ نفر بوده است. کلیه اعضا با رعایت نوبت در معدن مشغول به کار هستند. متوسط دریافتی سالانه هر عضو طی سال ۱۳۷۴ حدود ۲/۵ میلیون ریال بوده است. برای

تعداد کثیری از خانوارها دریافت این مبلغ اهمیت حیاتی دارد به گونه‌ای که با رکود چند ماهه شرکت در سال ۱۳۷۳ کلیه اعضا هر روز به فرمانداری شهرستان قروه و اداره کل تعاون مراجعه و خواستار رفع مشکل بوده‌اند.

سرمایه اولیه ۱/۴ میلیون ریال و سرمایه فعلی با احتساب ذخایر ۵/۸ میلیون ریال و سود حاصله در سال ۱۳۷۳، حدود ۱۰ میلیون ریال و در سال ۱۳۷۴ حدود ۱۸ میلیون ریال بوده است.

تعداد افراد تحت تکفل اعضای شرکت

بالغ بر ۱۵۰۰ نفر یعنی کل جمعیت روستا می‌باشد. این تعاونی در کارهای عام‌المنفعه از قبیل ترمیم مسجد و حمام روستا، ساخت پل و غیره مشارکت فعال داشته و در سال ۱۳۷۴ حدود ۲ میلیون ریال به شورای روستا کمک نموده است. کمکهای دولتی اعطا شده به این تعاونی با احتساب حقوق استخراج، به مأخذ هر تن ۳۰۰ ریال می‌باشد. در حالی که از معادن بخش خصوصی بالغ بر ۱۵۰۰ ریال برای هر تن اخذ می‌شود که این امر موجب پیشرفت فعالیت تعاونی در مقابل سایر شرکتهای گردیده است.

تشکیل شرکتهای تعاونی صنعتی به خصوص صنایع تبدیل فرآورده‌های کشاورزی از قبیل صنایع کمپوت سازی، کنسرو سازی، پنیر سازی و... از دیگر امکاناتی است که می‌توان در اشتغال بیکاران روستایی و محرومیت زدایی از آنان، بکار گرفته.

باتوجه به عدم تمایل سرمایه‌گذاران بخش خصوصی به امر سرمایه‌گذاری در مناطق دور افتاده و محروم، تنها راه برای ایجاد چنین صنایعی در این گونه مناطق استفاده از ساکنین این مناطق است که با توجه به کمبود سرمایه از یک جهت و فقر اطلاعات علمی و فنی از جهت دیگر، جمع آوری و انباشت سرمایه‌های اندک اعضا

در کنار اعتبارات و دوره‌های آموزشی بخش تعاون می‌تواند زمینه ساز ایجاد چنین صناعی در قالب شرکتهای تعاونی گردد. ایجاد ۱۱۱ تعاونی صنعتی با اشتغالزایی ۱۷۵۲ نفر در استان کردستان دال بر واقعیت مذکور می‌باشد.

### ۳-۱- بالا بودن هزینه نسبت به درآمد.

از دیگر عوامل به وجود آورنده فقر، رشد سریع هزینه‌ها نسبت به درآمدهاست که این امر در میان مدت و بلند مدت موجب شکاف بین درآمدها و هزینه‌های خانوار شده و بافرونی گرفتن هزینه‌ها بر درآمد، خانوارها قادر به تأمین نیازهای اولیه خود نبوده و در نتیجه موجب عدم تأمین نیازهای اولیه (خوراک، پوشاک و مسکن) و یا به عبارت دیگر فقر و محرومیت خانوار می‌گردد.

این مسئله عموماً در دوره‌های توری مشاهده می‌گردد و ناشی از تغییر قیمت‌های نسبی و تغییر رابطه مبادله به زیان برخی از اقلام می‌باشد. در شرایط توری معمولاً سیاست‌گذارهای دولت به گونه‌ای است که رابطه مبادله به زیان محصولات تولیدی کشاورزان تغییر می‌کند. با توجه به اینکه مواد غذایی ضروری‌ترین نیاز افراد جامعه را تشکیل می‌دهد لذا در شرایط توری دولت سعی می‌کند از طرق مختلف از جمله واردات، قیمت اینگونه اقلام را در سطح نسبتاً پایینی نگهدارد، که این امر نهایتاً کاهش درآمد تولید کنندگان این اقلام را که در حقیقت خود بخشی از محرومین جامعه را تشکیل می‌دهند به همراه داشته و باعث می‌گردد تا قیمت محصولات تولیدی کشاورزان به طور اخص و تولیدات روستاییان به طور اعم کمتر از قیمت کالاهای تولید شده در بخش صنعت و خدمات افزایش یابد که این امر به معنای تغییر قیمت‌های نسبی به زیان تولیدات بخش

روستایی است.

براساس اطلاعات سال ۱۳۷۲ شاخص بهای عمده فروشی مواد خوراکی ۵۸۰/۱ بوده در حالی که شاخص کل ۷۶۷ و شاخص مواد صنعتی (غیر از سوخت‌ها) ۱۱۳۹/۸ بوده است.<sup>(۵)</sup>

از سوی دیگر وجود واسطه‌ها و سلف خران مزید بر علت شده و موجب اختلاف شدید قیمت عرضه محصولات تولیدی روستاییان با قیمت خرید این اقلام از روستاها می‌گردد. این دو مسئله نهایتاً موجب فقر بیش از پیش روستاییان شده و آنها را از نظر درآمدی در گروه محرومین جامعه قرار می‌دهد.

راه حلی که در برخورد با فقر روستایی به نظر می‌رسد آن است که به طریقی بجز افزایش قیمت کالاهای تولیدی کشاورز، درآمد وی را افزایش و هزینه هایش را کاهش داد.

به طوری که گفته شد بخش اعظم قیمت تولیدات روستاییان به جیب واسطه‌ها و دلالان سرارزیر شده و تنها بخش اندکی به تولیدکنندگان اصلی می‌رسد. بنابراین می‌توان با حذف این واسطه‌ها عملاً دریافتی کشاورزان را بدون آنکه نیازی به افزایش قیمت وجود داشته باشد افزایش داد (و در برخی موارد حتی می‌توان قیمت بازار را کاهش داد).

تشکیل شرکتهای تعاونی بازاریابی محصولات کشاورزی می‌تواند مناسبترین

راه حل برای عرضه مستقیم محصولات کشاورزی به مصرف کنندگان و حذف واسطه‌ها باشد. این شرکتها که می‌توانند با تشویق دولت توسط خود کشاورزان تشکیل گردند با جمع آوری محصولات تولید شده توسط اعضا و در نتیجه افزایش حجم محصولات عرضه شده، امکان عرضه مستقیم و مستمر تولیدات را فراهم نموده و دست واسطه‌ها را کوتاه می‌نمایند.

ایجاد شرکتهای تعاونی و بازاریابی محصولات کشاورزی، می‌تواند روشهای بازاریابی محصولات تولیدی کشاورزان کوچک را بهبود بخشد، امکانات لازم برای دستیابی این کشاورزان به بازار کالا اعم از داخلی و خارجی را فراهم سازد، ضایعات محصولات کشاورز و هزینه‌های بازاریابی محصولات را کاهش دهد. سهم تولید کنندگان را از قیمت نهایی فروش محصولات افزایش داده و نهایتاً افزایش درآمد خالص کشاورزان کوچک را به دنبال داشته باشد، که این امر به معنای محرومیت‌زدایی از کشاورزان کوچکی است که حاصل تلاش و زحمات یک ساله آنها به جیب واسطه‌ها می‌رود. از سوی دیگر تاسیس چنین شرکتهایی موجب عرضه یکنواخت محصول طی سال می‌گردد که به این ترتیب مصرف کننده نیز از رفاه بیشتر و قیمت‌های عادلانه‌تری برخوردار خواهد شد.

**بی شک یکی از روشهای موفق برای محرومیت زدایی در کشور استفاده از تعاونیها است که شرط لازم برای فعال نمودن این بخش تخصیص اعتبارات لازم به بخش تعاون جهت پیشبرد امر آموزش از یک سو، و اتخاذ تصمیمات مناسب به منظور همکاری بیش از پیش سیستم بانکی کشور جهت پرداخت اعتبارات تخصیص داده شده به بخش تعاون - به متقاضیان تشکیل شرکتهای تعاونی - از سوی دیگر است.**



بنابراین اینگونه شرکتها به طور همزمان درآمد تولیدکننده را افزایش و هزینه مصرفکننده را کاهش می‌دهد که در هر دو بعد می‌تواند در زمینه محرومیت زدایی مؤثر واقع شود. از طرف دیگر شرکتهای تعاونی مصرف روستایی نیز می‌توانند با تامین کالاهای مورد نیاز کشاورزان با قیمت مناسب نقش مهمی در کاهش هزینه‌های روستاییان داشته باشند. بنابراین جهت رفع محرومیت ناشی از وضعیت خاص دوران تورمی، می‌توان از شرکتهای تعاونی بازاریابی محصولات کشاورزی و شرکتهای تعاونی مصرف روستایی به عنوان اهم مؤثری استفاده نمود.

## ۲. محرومیت زدایی از مناطق شهری

۲-۱. فقر ناشی از کهولت، معلولیت، نداشتن نان آور و... چنانکه قبلاً ذکر شد برای این دسته از محرومین هم در مناطق روستایی و هم در مناطق شهری، باتوجه به اینکه معمولاً نمی‌توان از طریق ایجاد اشتغال، درآمد این افراد را افزایش داد، تنها راه حل، استفاده از (تعمیم) پوششهای مناسب تأمین اجتماعی و سازمانهای خیریه می‌باشد.

۲-۲. فقر ناشی از بیکاری و بیکاری پنهان: انواع شرکتهای تعاونی تولیدی به خصوص صنایع کاربر مناسبترین راه حل جهت اشتغال به کار این قبیل افراد و در نتیجه ایجاد درآمد برای آنها می‌باشد. در اینجا نیز باید توجه داشت که ایجاد شرکتهای تولیدی خصوصی نیز می‌تواند راه حلی جهت اشتغال به کار این افراد باشد اما چند عامل وجود دارد که شرکتهای تعاونی را از شرکتهای خصوصی متمایز می‌سازد.

الف - باتوجه به موقعیت اقتصادی کنونی کشور تمایل سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در امور تولیدی کمتر از



که نقدینگی کشور در سال ۱۳۷۱ بالغ بر ۳۵۸۶۶ میلیارد ریال بوده و افزایش حجم نقدینگی سال ۱۳۷۱ نسبت به سال ۱۳۷۰ بالغ بر ۷۲۲۷/۶ میلیارد ریال بوده است این امر به خوبی عدم تمایل سرمایه‌گذاران بخش خصوصی را به امر سرمایه‌گذاری در مشاغل مولد نشان می‌دهد.

ب - سرمایه‌گذاران که به کارهای تولیدی می‌پردازند فعالیتهای سرمایه را به فعالیتهای کاربر ترجیح می‌دهند که این امر نیز اشتغالزایی شرکتهای خصوصی را کاهش می‌دهد.

ج - دستمزد پرداختی این شرکتها به کارگران متناسب با هزینه‌های آنها نبوده و نمی‌تواند کلیه نیازهای آنها را برآورده سازد.

باتوجه به نکات فوق جهت اشتغال به کار افراد بیکار، ایجاد درآمد و رفع محرومیت از آنها در مناطق شهری ایجاد شرکتهای تولیدی تعاونی بهترین راه حل

تمایل آنها به امر واسطه‌گری می‌باشد. به عبارت دیگر باتوجه به ریسک حاصل از فعالیتهای تولیدی، قوانین و مقررات مربوط به نیروی کار، بازدهی سرمایه و... سرمایه‌داران ترجیح می‌دهند به جای صرف سرمایه خود در امر تولید به مشاغل واسطه‌گری روی آورند که این امر عملاً استفاده از سرمایه‌های بخش خصوصی در جهت اشتغالزایی را کاهش می‌دهد اطلاعات چند سال گذشته به خوبی بیانگر این امر می‌باشد. کل سرمایه‌گذاری سال ۱۳۷۱ بخش خصوصی، شامل سرمایه‌گذاری در ماشین آلات و ساختمان برابر با ۸۶۳۷/۷ میلیارد ریال بوده است. باتوجه به اینکه حدود ۶۰ درصد از کل سرمایه‌گذاری کشور طی این سال جهت جبران استهلاك بوده، می‌توان گفت که سرمایه‌گذاری خالص بخش خصوصی نیز حدود نیمی از مبلغ مذکور (سرمایه‌گذاری ناخالص این بخش) بوده است. از آنجایی

در این زمینه می‌باشد.

## ۲-۳. فقر ناشی از نامتناسب بودن درآمد و هزینه خانوار در مناطق شهری

یکی از مشکلاتی که در دوران توری دامنگیر خانوارها به خصوص دارندگان درآمد ثابت (مزد و حقوق بگیران بخش دولتی و خصوصی) می‌گردد آن است که رشد هزینه‌ها بیش از درآمد است و علی‌رغم آنکه نان آور خانواده شاغل است و حتی ممکن است بیش از یک شغل هم داشته باشد اما درآمد وی کفاف هزینه‌هایش را نمی‌دهد.

باتوجه به وضعیت توزیع درآمد در مناطق شهری فشار مضاعف بر اقشار محروم جامعه وارد می‌شود. بر این اساس محرومیت زدایی از اقشار شاغل کم درآمد عبارت است از افزایش حقوق و دستمزد، کاهش هزینه و یا هر دو به طور همزمان، باتوجه به اینکه افزایش حقوق و دستمزد طی سالیان گذشته همواره افزایش هزینه‌ها را به دنبال داشته است، و همچنین باتوجه به اینکه توان مالی دولت برای انجام چنین کاری محدود است، افزایش حقوق و دستمزد به تنهایی متضمن رفع محرومیت و افزایش سطح رفاه این قشر از جامعه نخواهد بود.

بنابراین باید در کنار افزایش حقوق و دستمزد راه‌های عملی برای کاهش و یا حداقل ثابت نگهداشتن هزینه‌های خانوار نیز اتخاذ گردد. نظر به اینکه بخش اعظم هزینه‌های خانوار را خوراک، پوشاک و مسکن تشکیل می‌دهد، لذا کاهش و یا ثبات قیمت این اقلام به معنای کاهش و یا ثبات هزینه‌های اقشار محروم نقاط شهری می‌باشد. در شرایط فعلی مهمترین مشکل هر خانوار محروم شهری، مشکل مسکن است. نرخ بالای رشد جمعیت طی چند سال اول پس از انقلاب و میزان مهاجرت به شهرها از یک سو و مشکلات و کمبودهای

ناشی از جنگ تحمیلی از سوی دیگر باعث شده است که بخش خصوصی توان انبوه‌سازی و عرضه فراوان مسکن را نداشته باشد.

از طرف دیگر باتوجه به بازدهی سرمایه در بازار و به خصوص در امور واسطه‌گری و مشکلات و موانع موجود در امر ساخت مسکن تمایل بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری عمده در این نوع فعالیت کاهش می‌یابد. علاوه بر اینها، آن قشر از بخش خصوصی نیز که در این زمینه فعالیت دارد تولیدات خود را به قیمتی ارائه می‌نماید که حداقل بتواند سوددهی معادل بازدهی سرمایه در بازار داشته باشد که این امر موجب افزایش قیمت مسکن می‌گردد. این درحالی است که دولت نیز به دلایل مختلف (که در اینجا مجال بحث ندارد) توان و امکانات کافی را برای سرمایه‌گذاری جهت ساخت انبوه مسکن ندارد.

بنابراین در شرایط فعلی بهترین راه جهت حل معضل مسکن در نقاط شهری، استفاده از امکانات بخش سوم اقتصاد یعنی بخش تعاون می‌باشد. از آنجا که این بخش بر جمع‌آوری و انباشت سرمایه‌های اندک اعضا، امکانات مدیریتی و نظارتی اعضا و هدف نبودن کسب سود استوار است می‌تواند راه‌گشای حل مشکل مسکن باشد، که در این راستا تشکیل ۷۲۸۱ شرکت تعاونی مسکن کارمندی، کارگری و آزاد تا آبان ۱۳۷۴ با ۱۴۲۲۲۲۵ عضو (۹۴۸۹۷ نفر شاغل) بیانگر تمایل افراد جامعه در استفاده از امکانات بخش تعاون جهت تأمین مسکن بوده است. برطبق اطلاعات موجود تا پایان نیمه اول سال ۱۳۷۳ شرکتهای تعاونی مسکن نسبت به تکمیل ۲۰۹۸۷۵ واحد اقدام نموده و ۱۸۵۲۱۰ واحد مسکونی نیز در دست احداث بوده است. همچنین اطلاعات اخذ شده از ۱۸ استان بیانگر آن است که شرکتهای تعاونی مسکن

طی نه ماه اول سال ۱۳۷۴، ۲۱۰۴۱ واحد مسکونی را تکمیل و ۴۸۲۹۵ واحد نیز در دست احداث داشته‌اند.

شرکتهای تعاونی مصرف از دیگر امکاناتی است که از آنها می‌توان جهت کاهش هزینه مواد خوراکی و سایر ملزومات اقشار محروم به کار گرفت. نسبت واحدهای عمده‌فروشی به خرده‌فروشی در بخش خصوصی ۱ تا ۲۵ بوده که این نسبت در تعاونیهای مصرف ۱ به ۱۰۴ می‌باشد. یعنی هر ۲۵ خرده‌فروشی در بخش خصوصی باید هزینه، مالیات و سود یک عمده‌فروشی را تأمین نماید در حالی که در بخش تعاونی این نسبت ۱۰۴ است. نسبت واحدهای خرده‌فروشی موجود در بخش خصوصی به خانوارهای شهری ۱ به ۱۰ می‌باشد در حالی که نسبت تعاونیها به خانوارهای تحت پوشش ۱ به ۷۵۴ است.

به عبارت دیگر هر ده خانوار شهری در ازای خرید از خرده‌فروشان بخش خصوصی می‌بایست هزینه، مالیات و سود یک واحد خرده‌فروشی را تأمین نمایند. در صورتی که این نسبت برای خریداران از شرکتهای تعاونی ۷۵۴ خانوار برای هر شرکت می‌باشد. مضافاً اینکه هزینه و سود در شرکتهای تعاونی بسیار نازلتر از بخش خصوصی بوده و اساساً قابل قیاس نیست. عوامل فوق باعث شده تا سطح قیمت در شرکتهای تعاونی مصرف پایین‌تر از سطح قیمت در بخش خصوصی باشد. به طوری که تحقیقات انجام شده در این زمینه نشان داده است که قیمت اقلام عرضه شده در شرکتهای تعاونی مصرف به طور متوسط بین ۲ تا ۲۸ درصد پایینتر از سطح قیمت کالاهای مشابه در فروشگاهها و خرده‌فروشیهای سطح شهر می‌باشد. بنابراین به طور خلاصه می‌توان گفت که تأسیس شرکتهای تعاونی مصرف مطلوبترین روش برای کاهش هزینه



# تعاونیها و آمال اجتماعی بشر

تعاون روابط اقتصادی را برپایه مناسبات اجتماعی استوار می‌سازد، و کوشش می‌کند که این روابط برپایه کمک متقابل و ارائه خدمات و شناخت نیازهای مشترک باشد، نه براساس سودجویی و رقابت‌های غیر مشروع و ازدیاد نامعقول ثروتها. این فکر مطلوب و اندیشه دلپذیری است که انسانها به خود ارج نهند، و مناسبات فیما بین را برپایه فضائل و کمالات خود و نه برپایه جنگ و ستیز استوار سازند.

و بهره‌وری بیشتر از نعمتها را نشان می‌دهد.

آیا آمال جامعه بشری جز این بوده است که با حفظ مقام انسانی و رعایت عدالت و انصاف، به توزیع عادلانه ثروت موفق شود و با تأمین رفاه همگانی، حلقه‌های دوستی و همکاری و برادری را هرچه بیشتر محکم نماید؟ وفور و فراوانی ایجاد کند و از این فراوانی، سعادت‌ی مطلوب برای همگان فراهم آورد؟

بلی، انقلاب صنعتی باعث افزایش تولید شد و افزایش تولید ثروت ملی را ازدیاد بخشید، ولی مصیبت در این بود که این ثروت ملی به طریقی عادلانه توزیع نمی‌شد. ثروتمندان ثروتمندتر، و فقرا فقیرتر میشدند. و این امر ذره‌ای را که بین طبقه مرفه و زحمتکش وجود داشت، عمیق‌تر و وحشتناک‌تر می‌ساخت.

سازندگی به آرامش نیاز دارد، و آرامش در جامعه بشری حاصل نمی‌شود مگر به رعایت برابری و عدل و انصاف و حرمت انسانی، و این است آنچه که نهضت تعاون بما هدیه می‌کند، و ما را بقبول آن

ویرانگری و محو آثار تمدن بشری اختصاص دهند. آمال اجتماعی بشر، بسط عدالت و ازدیاد ثروت ملی و تنعم هر چه بیشتر از مواهب موجود بوده است؛ تا انسانها بتوانند در سایه محبت، اتفاق، صلح، آشتی، برابری، برادری، و حفظ احترام متقابل زندگی کنند، و بگذارند که دیگران به حیات خود ادامه دهند.

قیام ملتها هیچگاه سبب و علتی جز کسب آزادی و تحصیل و تثبیت و حیثیت و شخصیت انسانی نداشته است. فقدان تأمین مادی و معنوی، جز فقدان آزادی و عدالت و انصاف تعبیری ندارد؛ و اگر فقر و گرسنگی و بی‌سوادی و جهل و استثمار و بیماری معنوی بر پیکر جامعه بشریت تازیانه می‌زنند، معنایش آنست که هنوز آزادی و برابری و انصاف مورد رعایت قرار نگرفته است.

نهضت تعاونی با شناخت انسانها و ارج نهادن به شرافت و حیثیت انسانی توده مردم، بنیان نوین و نظم جدیدی در روابط اقتصادی و اجتماعی بشر پی‌ریزی می‌کند، هدف زندگی را می‌نمایاند، و راه بهزیستی

نهضت تعاونی به عنوان نهضتی اقتصادی - اجتماعی، مبشر ایجاد نظامی است که هدفهای اقتصادی را با مقاصد اجتماعی تلفیق ساخته است. اصول اساسی نهضت تعاونی احترام به حیثیت و شخصیت و آزادی انسان است. در این نظام، تأمین رفاه اجتماعی توده مردم از طریق تکیه به ارزشهای والای انسانی، هدف اصلی است؛ و چنین است که جمیع مساعی و فعالیتهای مختلف اقتصادی به منظور حصول این هدف، دنبال می‌شود.

بشر در طی قرون متمادی همواره هدفش در مقام انسانی، بسط آزادی و ازدیاد ثروت ملی و تأمین رفاه و آسایش اجتماعی بوده است. بگذریم از انقلابات و اختلافاتی که به اشکال گوناگون، و بخاطر ارضاء سببیت افرادی چند که در مقام مقایسه با جامعه جهانی بشریت تعدادشان بسیار معدود است، غارتها، و جنگها، خونریزیها و کشت و کشتارهای فجیعی را در سالیان دراز به وجود آورده است. این میل و خواسته توده مردم نبوده که کمربه قتل و کشتار ببینند، و ثروتها را برای

دعوت می‌نماید.

تعاون روابط اقتصادی را برپایه مناسبات اجتماعی استوار می‌سازد، و کوشش می‌کند که این روابط برپایه کمک متقابل و ارائه خدمات و شناخت نیازهای مشترک باشد، نه براساس سودجویی و رقابت‌های غیر مشروع و ازدیاد نامعقول ثروتها. این فکر مطلوب و اندیشه دلپذیری است که انسانها به خود ارج نهند، و مناسبات فیما بین را برپایه فضائل و کمالات خود و نه برپایه جنگ و ستیز استوار سازند. خیمه‌ای برپا کنند که هر خسته‌ای را در سایه خود آرامشی دهد، و چراغی بیفروزند که هر کم گشته‌ای را دلیل

و راهنما باشد. آرامشی به وجود آورند که در پرتو آن سازندگی امکان‌پذیر شود، و محبت و عشق به هم نوع فرصت ظهور و بروز یابد.

اعتقاد امری است قلبی. وقتی قلب پذیرفت، شخص معتقد می‌شود، و آرامش می‌یابد. تعاون نیز چنین است. قبول آن جز از راه ایجاد اعتقاد ممکن نیست. تعاون مذهب و مسلکی است اجتماعی که آمال بشری را تحقق می‌بخشد، و به کم گشتگی انسانها پایان می‌دهد. برای ترویج و تبلیغ این نهضت باید ایجاد اعتقاد کرد، و در دلها و مغزها نفوذ نمود. راه زندگی را نشان داد و به بشر آموخت که غرض از خلقت،

همکاری و محبت و کمک متقابل و مقدم داشتن نفع جمع بر نفع فرد است. و این است راهی که مصلحان و خیراندیشان جوامع بشری در پیش گرفتند، و راحت و آسایش خود را فدا کردند، تا به ما راه زندگی بنمایانند.

یک مثل چینی می‌گوید: «اگر به شخصی یک دانه ماهی بدهی غذای یک روز او را تأمین کرده‌ای، ولی به او ماهی گرفتن را یاد دهی، غذای یک عمر او را فراهم آورده‌ای». به این مثال بیندیشیم، و برای تحقق آمال بشری به تعاونیها پیوندیم، و در ترویج و تبلیغ این نهضت کوشا باشیم.

از کتاب «فناهای تعاونی» - سازمان مرکزی تعاون

بقیه از صفحه ۴۹

واردات پشم طبق آمارهای گمرکی در طی سالیهای ۱۳۷۱ الی ۱۳۷۴ بشرح ذیل می‌باشد.

مبادی ورودی به کشور وارد می‌شود و حدود ۴ هزار تن آن به ارزش تقریبی ۱۵ میلیون دلار بمصرف قالیبافی می‌رسد

رنگرزی خامه از مواد رنگرزی شیمیائی استفاده می‌گردد.

لذا محاسبه ارزشی مواد رنگرزی بشرح زیر می‌باشد:

$$15 \times 4/8 \times 90 \times 175 = 486$$

دلار ارزشی مواد رنگرزی هر متر مربع فرش

متر مربع تولید سالیانه فرش دلار ارزش پشم وارداتی

$$15/000,000 \div 750,000 = 20$$

دلار متوسط ارزشی پشم مصرفی در هر

متر مربع فرش

علاوه بر این مقداری پشم هم جهت

مصارف قالیبافی از طریق مرزهای زمینی

و معمولاً بصورت تبادل کالا و غیره به

کشور وارد می‌شود بانضمام پشمهای

وارداتی از مرزهای زمینی که آمار درستی

در این زمینه وجود ندارد.

\*\*\* در سال ۱۳۷۲ به علت حذف پیمان و مزیت

فراوان از صادراتی برای واردات کالا، طبق

بررسیهای کارشناسی به عمل آمده قیمت فرشهای

صادراتی به طور متوسط حدود ۲۰ درصد بیشتر از

مبلغ واقعی اظهار شده است لذا رقم واقعی صادرات

در این سال حدود ۱۱۷۲ میلیون دلار بوده است.

کیلوگرم میزان پشم هر کوسفند تعداد دام کشتارکامی

$$15/000,000 \times 8250 + 11000$$

میزان پشم دباغی به تن

پشم قابل استفاده در قالیبافی

$$60/000 - 11000 = 49000$$

$$49000 - 3000 = 46000$$

کسر می‌شود میزان ۳۰۰۰ تن مصرف پشم

در نمود مالی و غیره

$$70000 - 46000 = 24000$$

کمبود پشم ناشور

$$23000 \div 2 = 12000$$

۵ - ارزشی

همه ساله مقادیری پشم بطور رسمی از

میزان واردات پشم در سالیهای ۱۳۷۱ الی ۱۳۷۴

سال	مقدار به هزار تن	ارزش به میلیون دلار
۱۳۷۱	۶/۲	۲۵
۱۳۷۲	۶/۵	۲۲
۱۳۷۳	۷	۱۷/۶
۱۳۷۴	۷/۸	۲۲

ضمن اینکه برابر آمار غیررسمی حدود ۸

هزار تن پشم هم از طریق مرزهای زمینی و

معمولاً بشکل تبادل کالا به کشور وارد

می‌شود.

مواد رنگرزی شیمیایی از دیگر اقلام

وارداتی است که هم در صنایع نساجی و

هم در رنگرزی خامه قالی کاربرد دارد.

با عنایت به اینکه برای رنگرزی هر کیلوگرم

نخ پشم حدود ۱۵ دلار مواد رنگرزی

شیمیائی مصرف می‌شود و نزدیک ۹۰

درصد این مواد وارداتی است و در هر متر

مربع فرش پشمی حدود ۴/۸ کیلوگرم پشم

مصرف می‌شود و حدود ۷۵ درصد از



# شیوه تعاونی، مروج دموکراسی است

نهضت تعاون نه تنها در بهبود وضع اقتصادی افراد نقش بسزائی دارد، بلکه اثرات عمیق آن بر روابط انسانها و دگرگونی طرز فکر و پرورش شخصیت آنان که زائیده تربیت تعاونی است، نیز در خوراهمیت فراوان است.

اساس فلسفی و روانی فعالیتهای تعاونی با دو عبارت خودیاری و کمک متقابل بخوبی قابل توجیه است، و این دو عنصر که همواره دوشادوش یکدیگر گام برمی دارند و ستون اصلی ساختار تعاونیها را تشکیل می دهند.

خودیاری در نظام تعاون دارای اهمیت ویژه ای است و هرکس که بخواهد راه تعاون را درپیش گیرد ناگزیر است که شخصاً و با اراده آزاد خویش، به این کار اقدام نماید؛ و زمانی که شخص آزادانه به صفوف تعاون پیوست، وظایف اخلاقی و اجتماعی وسیعی را بعهده خواهد گرفت.

خرید سهام تعاونی در حقیقت قبول مسئولیت در کار تعاونی است، و کسی که به این طریق به عضویت یک واحد تعاونی می پیوندد، خود را مکلف میسازد که فعالیتهای خویش را در آن مؤسسه متمرکز سازد، در کار شرکت تعاونی مشارکت جوید، به اتفاق سایر اعضا اتخاذ تصمیم نماید، و به سهم خود عهده دار مسئولیت تصمیمات مزبور باشد.

کمک متقابل دنباله خودیاری است، و مفهوم تعاونی اش این است که هرکس که می خواهد مورد کمک قرار گیرد ابتدا باید خود به کمک دیگران بپردازد، و بداند که کمک دادن سبب کمک گرفتن خواهد بود؛ اگر انتظار دارد که دیگران به حمایت او

برخیزند، باید خود نیز متقابلاً حامی و مددکار دیگران باشد.

این ایده اساسی تعاون با بهم پیوستن قوا توسط مردمی که احتیاجات مشترک دارند، و مصممند تا با کوشش دسته جمعی آنها رابرتطرف سازند، ابراز میگرد، و نتایج آن هنگامی به ظهور می رسد که افراد تعاونی مسلک در کنار یکدیگر و دوش بدوش هم بدون هیچگونه قید و شرطی از یکدیگر

## یک سازمان تعاونی هرگز نمی تواند

نقش خود را فقط به فعالیتهای اقتصادی محدود سازد. زیرا تعاونیها گذشته از بهبود وضع اقتصادی اعضای وظیفه بزرگتر و سنگین تری را به عهده دارند. بدین معنی که تعاونیها عامل ارتقاء سطح آموزش، اخلاق و روابط اجتماعی اعضا خود هستند، و در کلیه شرایط و انواع فعالیتهای کوشش می کنند تا از طریق اتحاد و هماهنگی، عامل تربیت افرادی واجد اعتماد و اتکاء بنفوس و آگاه از ارزش و استعدادای خود باشند. بهمین علت، اهمیت اجتماعی و تربیتی کار تعاون در امر آموزشی است که بوسیله آن، افراد بتوانند امور مربوط بخود را به شیوه تعاونی عمل نمایند و با بکار بستن روشهای همکاری، از شرایط مساعد اقتصادی بهره مند گردند.

حمایت نمایند، و در تعقیب منظور مشترکشان با یکدیگر بصورت دوستان متفق، همدل و هم زبان باشند. این نخستین جنبه تربیتی نظام تعاون برای افراد جامعه است، زیرا تعاونیها از طریق پرورش خصوصیات اخلاقی و انسانی موجب بهم پیوستن افراد و طبقات یکدیگر، و عامل توافق و تفاهم آنان محسوب می شوند.

کار تعاونی باتکیه به خودیاری و کمک متقابل، به افراد می آموزد که قادرند سازمانها و مؤسسات متعلق به خویش را بدست خود اداره نمایند، و مشکلات خود را به اتکای قوای جمعی خود چاره جویی کنند. شرایط کار و زندگی را در جهت مثبت و موافق منافع خویش دگرگون سازند، موقعیت اجتماعی جدیدی بدست آورند و نقش تازه ای در جامعه به عهده گیرند.

هدف اجتماعی نظام تعاون تربیت افراد برای زندگی بهتر با مناسبات اجتماعی معقول و شرافتمندانه است، و فعالیتهای آن به مردم ایمان، اعتماد بنفوس و قاطعیت و استقامت می دهد. و عنصر انسانی را برای جامعه متحول تعاونی که جهان سلامت و همراهی است بنحو صحیح پرورش میدهد. یک سازمان تعاونی هرگز نمی تواند

نقش خود را فقط به فعالیتهای اقتصادی محدود سازد، زیرا تعاونیها گذشته از بهبود وضع اقتصادی اعضای وظیفه بزرگتر و سنگین تری را به عهده دارند. بدین معنی که تعاونیها عامل ارتقاء سطح آموزش، اخلاق و روابط اجتماعی اعضا خود هستند، و در کلیه شرایط و انواع فعالیتهای کوشش می کنند تا از طریق اتحاد و هماهنگی، عامل تربیت افرادی واجد اعتماد

کار تعاونی باتکیه به خودیاری و کمک متقابل، به افراد می آموزد که قادرند سازمانها و مؤسسات متعلق به خویش را بدست خود اداره نمایند، و مشکلات خود را به اتکای قوای جمعی خود چاره جوئی کنند. شرایط کار و زندگی را در جهت مثبت و موافق منافع خویش دگرگون سازند، موقعیت اجتماعی جدیدی بدست آورند و نقش تازه‌ای در جامعه به عهده گیرند.

است؛ زیرا در اثر بکار بستن اصول تعاون، تحت نفوذ معنوی و تربیتی آن نیز قرار می‌گیرند، و اعمال روزانه و روابط اجتماعی خویش را مطابق مفهوم و خصوصیات این نظام تنظیم می‌نمایند. بهمین جهت افرادی که به پیروی از اصول تعاون و پیوندهای اخلاقی آن متشکل میشوند، نه تنها از لحاظ اقتصادی در کار خویش موفقند، بلکه در مبارزه برای ایجاد عدالت اجتماعی نیز همواره در صف مقدم اجتماع قرار دارند.

بکار بستن روشهای همکاری، از شرایط مساعد اقتصادی بهره‌مند گردند.

اجرای اصول تعاون، در روی شخصیت انسانی نیز دارای اثرات شگرفی

و اتکاء بنفس و آگاه از ارزش و استعدادای خود باشند. بهمین علت، اهمیت اجتماعی و تربیتی کار تعاون در امر آموزشی است که بوسیله آن، افراد بتوانند امور مربوط بخود را به شیوه تعاونی عمل نمایند و با



کار تعاونی، دگرگونی جامعه انسانی را با تربیت و پرورش خود انسان آغاز میکند، و این امر را از طریق جلب مردم به فلسفه تعاونی و تلقی جدیدی از زندگی و مسائل حیاتی، و همچنین تقویت مبانی انسانی و ایجاد اتکاء بنفس در افراد، جامعه عمل می‌پوشاند. بعبارت دیگر، از راه اعطای تجارب، تعلیمات اقتصادی و آموزش مناسبات انسانی توسط تعاونیها، نقش اجتماعی تازه‌ای به انسانها محول میشود. روابط نوینی بین افراد برقرار میگردد، و جوامعی با علائق مشترک و افکار و آرزوهای مشترک ایجاد میگردد که اساس ومبنای روابط اعضای آن مساوات و دوستی و برابری است. انسانهای تربیت شده در این نظام که به نیروهای پایان‌ناپذیر همکاری مجهزند، نشان خواهند داد که افراد، هنگامیکه بوسیله فکر تعاون و روح خودیاری بحرکت درآیند، میتوانند زندگی بهتر، سعادتمندتر و مسووف‌تری بنا کنند، و با آزادی عمل و روشهای دموکراتیک موجب رونق و ارتقاء سطح زندگی خود گردند.



# نگرشی اقتصادی و تحلیلی بر صنعت و هنر

## فرش دستباف ایران ۱

محمود ستوده بقا

### پیشگفتار

بمنظور تهیه و تنظیم گزارش تحلیلی از صنعت فرش دستباف کشور دبیرخانه کمیته بندک تبصره ۵ قانون بودجه سال ۷۷ با همکاری سازمانها و ارگانهای مربوطه اقدام به جمع آوری اطلاعات از طریق تنظیم پرسشنامه و ارسال آن به کلیه استانداردها و وزارتخانه‌های بازرگانی (شرکت سهامی فرش ایران) جهاد سازندگی، تعاون، سازمان صنایع دستی، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و اتحادیه‌ها صادرکنندگان فرش نموده و پس از جمع بندی اطلاعات واصله در طی چندین جلسه به تهیه گزارش مختصر زیر با همیاری سازمانهای ذیربط پرداخت.

از آنجا که تجزیه و تحلیل هر موضوع برپایه آمار و اطلاعات انجام پذیر است و در زمینه فرش دستباف بعقل گستردگی، پراکندگی، خانگی بودن و ویژگی‌های فرهنگی مناطق مختلف تولیدی تهیه آمار و اطلاعات دقیق تاکنون امکان پذیر نبوده و آمارگیری سال ۱۳۷۳ مرکز آمار ایران هم نیز براساس نمونه‌گیری انجام شده است نمی‌توان صنعت فرش دستباف را همانگونه که واقعیت دارد به تصویر کشید. با توجه به این مهم که بافندگان فرش رنجی به بلندای تاریخ را در پشت سر دارند و تصمیم‌گیری در مورد صنعت فرش اثر مستقیم بر زندگی این قشر دارد و تاکنون آمارگیری جامع و کاملی از این صنعت بعمل نیامده لذا اجرای آمارگیری جامع صنعت فرش اعم از روستائی،

عشایری، شهری، دولتی، تعاونی و خصوصی توسط مرکز آمار ایران و با همکاری و همفکری سازمانهای ذیربط نظیر جهادسازندگی، شرکت فرش، سازمان صنایع دستی، وزارت تعاون، سازمان بهزیستی، کمیته امداد امام، مرکز پژوهشهای بازرگانی، وزارت صنایع، وزارت کشاورزی و سازمان برنامه و بودجه ضروری می‌باشد.

در این نگرش سعی شده است با توجه به وضعیت موجود مسائل اقتصادی مربوط به صنعت فرش دستباف مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

### بخش اول - وضعیت عوامل تولید

الف - نیروی انسانی

۱ - اشتغال کنونی

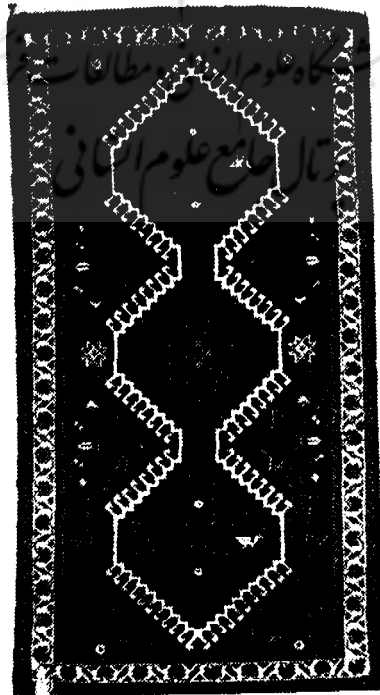
عامل اصلی در تولید فرش نیروی کار بافندگان شاغل در این صنعت می‌باشد. بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۳ مرکز آمار ایران اشتغال کنونی بافندگان فرش در کشور به میزان \*۱/۵۷۱/۹۸۸ نفر زن و ۳۰۷۸۹۰ نفر مرد جمعاً ۱/۸۷۹/۸۷۸ نفر می‌باشند. با اتخاذ سیاستهای جدید ارزی در اوائل سال ۱۳۷۴ و کاهش صادرات تعداد بافندگان فرش رو به کاهش گذاشت ولی بتدریج بعلت عدم امکان دسترسی به شغلی دیگر مجدداً به بافندگی فرش روی آوردند.

ب - مواد اولیه

مواد اولیه فرشبافی عموماً پشم، پنبه، ابریشم و مواد رنگی (طبیعی و شیمیائی) می‌باشد.

۱ - در خصوص پشم آمار تولید در داخل کشور بدرستی معلوم نیست ولی تخمین زده می‌شود که با وجود ۵۰ میلیون رأس گوسفند حدود ۶۰ هزار تن پشم ناشور تولید داخلی می‌باشد که مقداری از آن هم پشم دباغی شده است. نخ پشم استحصال شده از این مقدار پشم کمتر از ۲۵۰۰۰ تن می‌شود که بخشی از پشم و نخ مذکور به مصارف غیر از فرش دستباف نظیر گلیم و نمد و غیره می‌رسد. کمبود پشم مورد نیاز عمدتاً از طریق مرزهای زمینی و مقادیری هم از کشورهای استرالیا، زلاندنو و اورگوئه به کشور وارد می‌شود. میزان نخ پشم مصرفی در قالیبافی سالیانه حدود ۲۵۰۰۰ تن می‌باشد.

۲ - در زمینه رنگهای طبیعی که مواد اولیه آنها صددرصد ایرانی است نظر به محدود بودن میزان تولیدات و زحمات زیاد عمل



آوری، استفاده از آنها(به علت عدم وجود کارگاههای رنگرزی گیاهی برای تولید انبوه) مقرون به صرفه نیست.

۳- نخ پنبه مصرفی در قالبیابی عمدتاً داخلی می‌باشد. متأسفانه در سالهای اخیر برخی از واحدهای تولیدی بمنظور استحکام بیشتر نخ مقداری پلی استر در نخهای پنبه‌ای بکار می‌برند که این امر هم از مواریدی است که به فرش ایران لطمه وارد کرده است و اعتراضات خریداران فرش ایران در کشورهای خارج را بدنبال داشته است.

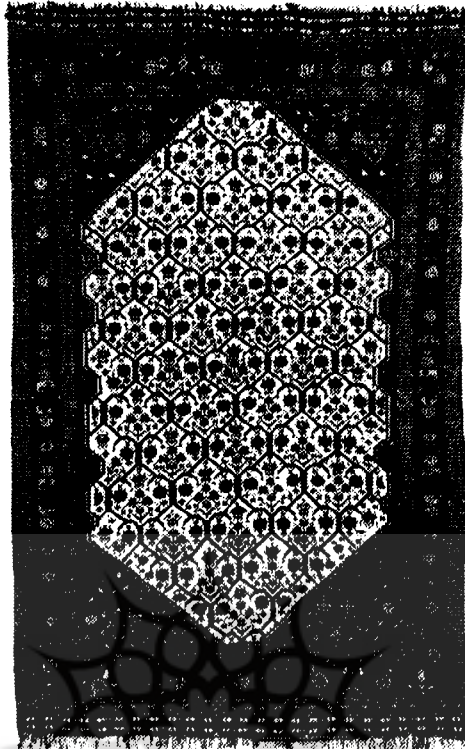
۴- ابریشم مورد نیاز قالبیابی عمدتاً از ابریشم داخلی و مقدار کمی هم از خارج تأمین می‌گردد  
ج- ابزار تولید

ابزار تولید در قالبیابی شامل دار، قیچی، دغه، قلاب، و کارد، و غیره می‌باشند. تعداد دارهای فعال در ایران حدود ۱۰۲۰۰۰۰۰ دستگاه تخمین زده می‌شود. قیمت متوسط هر دار قالی ۲×۳ حدود ۴۰۰۰۰۰ ریال و بهای ابزار مورد نیاز هر دار قالی حدود ۷۰۰۰۰۰ ریال برآورد می‌گردد. در اجرای تصمیم اتخاذ شده در کمیته بند م تبصره ۵ قانون بودجه سال ۷۶ مبنی بر تعیین استاندارد دار و ابزار قالی بافی در شصت و نهمین جلسه کمیته ملی استاندارد ایران با حضور کارشناسان سازمانها و نهادهای مختلف استاندارد دار و ابزار قالی بافی تعیین و به تصویب نهائی رسیده است اما نظریاتیکه اجباری بودن آن امکانپذیر نمی‌باشد لذا پیشنهاد شده است این مسئله بصورت استاندارد تشویقی در نظر گرفته شود.

د- سرمایه

۱- سرمایه ثابت

سرمایه ثابت در بخش صنعت فرش شامل ساختمان، سرقفی مکان، دار و ابزار، وسیله نقلیه، هزینه‌های اشتراک آب، برق، تلفن و غیره می‌باشد. بدلیل خانگی بودن



قیمت تمام شده فرش ایران با سرمایه گذاری جدید مقرون بصرفه نیست و اقتصادی نمی‌باشد اما تولیدکننده فرش که در امروز هزینه‌های ثابت و حتی بعضی از هزینه‌های متغیر را قبلاً پرداخت کرده است تا زمانی که هزینه جاری متغیر آخرین واحد فرش تولیدی اش از بهای آخرین واحد فرش فروش رفته بیشتر نشود به تولید فرش ادامه می‌دهد و حتی تا نقطه سربه سر هم به تولید ادامه خواهد داد لذا می‌باید تدابیری اندیشید که تولیدکننده فرش با سودآوری مناسب امیدوارانه به قالبیابی ادامه دهد.

این صنعت سرمایه گذاری در زمینه ساختمان و محل کارگاه محدود بوده و تعداد کمی کارگاه در این رشته مشغول بکار می‌باشند. قوانین موجود در خصوص مسائل بیمه و مالیات و عوارض مربوط به کارگاهها موجب گردیده که کارگاههای متمرکز در طی دهه‌های اخیر تعطیل گردند.

۲- سرمایه در گردش

سرمایه در گردش در بخش صنعت فرش عمدتاً شامل حقوق و دستمزد، مواد اولیه، خواب سرمایه در مورد فرشهای فروش نرفته، اسناد اعتباری دریافت شده از خریداران فرش، حمل و نقل و غیره می‌باشد. حقوق و دستمزد و مواد اولیه بعنوان هزینه‌های متغیر جاری در تولید اجتناب‌ناپذیر می‌باشند اما در خصوص خواب سرمایه و فروشهای اعتباری باید در نظر داشت در شرایط کنونی بطور متوسط فرش دستباف ۲ سال خواب سرمایه برای فروش و برگشت سرمایه دارد.

بخش دوم - کمیته‌های تولیدی فرش

۱- میزان تولید

میزان تولید فرش دستباف در کشور با توجه با آمارگیری صنعت و معدن در سال ۱۳۷۲ حدود ۷/۵ میلیون متر مربع برآورد شده است و چنانچه تورم داخلی همچنان ادامه داشته باشد و نرخ ارز هم تقریباً ثابت بماند امیدی به افزایش تولید نیست و می‌باید انتظار روند نزولی تولید را داشت و بدنبال این گسترش بیکاری اولین پیامد شرایط موجود می‌باشد.

جدول مقایسه انواع فرشهای تولیدی در ایران را که براساس آمارگیری سال ۱۳۷۲ انجام گرفته است نشان می‌دهد.

بررسیهای آماری نشان می‌دهد میزان تولید رابطه مستقیم با صادرات فرش داشته است هر زمان که صادرات فرش رونق داشته است تولید فرش افزایش یافته. در سالهای اول جنگ تحمیلی عراق به ایران صادرات فرش که با مشکلاتی هم همراه



بر مبنای قیمت‌های عمده فروشی انجام می‌گرفت و قیمت‌های فرش هم به لحاظ بروز برخی مشکلات و تورم داخلی مرتباً افزایش می‌یافت لذا آمار صادرات فرش در طی سالهای ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ افزایش قابل توجهی را نشان داده‌است و مشکلات صادرات فرش به لحاظ ناهماهنگی قیمت‌های داخلی و نرخ‌های صادراتی فرش شروع و میزان صادرات آن رو به کاهش گذاشت و در سال ۱۳۶۱ به پائین‌ترین سطح خود رسید.

از سال ۱۳۶۲ با اتخاذ سیاست‌های تشویقی دولت و همچنین تعیین قیمت‌های صادراتی فرش برپایه قیمت‌های بین‌المللی تدریجاً صادرات فرش روند صعودی را طی نموده و در سال ۱۳۷۳ به بالاترین سطح رسید و سپس از اوایل سال ۱۳۷۴ به لحاظ اتخاذ سیاست‌های ارزی و رکود حاکم بر بازارهای جهانی صادرات فرش مجدداً روند نزولی را طی نموده و به رقم ۵۹۵ میلیون دلار در سال ۱۳۷۶ کاهش یافته است.

۳- بازارهای جهانی فرش و سهم ایران  
صادرات فرش ایران عمدتاً به کشورهای اروپائی، ژاپن و کانادا و چند کشور جنوب شرقی آسیا انجام می‌گیرد. جامعه مشترک اروپا طی سالهای ۷۳-۱۳۷۶ سالیانه حدود ۶۵ درصد صادرات فرش ایران را بخود اختصاص داده است. کشورهای آلمان، سوئیس، ایتالیا، بلژیک و انگلستان در سال ۱۳۷۳ به تنهایی ۶۰ درصد صادرات فرش ایران را وارد نموده‌اند. از دیگر بازارهای فرش ایران را می‌توان کشورهای امارات متحده عربی و استرالیا نام برد. کشورهای عمده صادرکننده فرش و سهم هر یک از آنها از بازار جهانی فرش را طی سالهای ۱۹۷۶ الی ۱۹۹۶ نشان می‌دهد.

«همانطور که جدول نشان می‌دهد سهم ایران از تجارت جهانی فرش از ۴۱ درصد در سال ۱۹۷۶ طی یک دوره ۲۰ ساله به ۳۱

مقایسه مساحت	کمتر از ۶ مترمربع	۶ تا ۹ مترمربع	بالاتر از ۹ مترمربع	کل تولید
	۴/۸۰۰/۰۰۰	۱/۸۰۰/۰۰۰	۹۰۰/۰۰۰	۷/۵۰۰/۰۰۰
	۶۴ درصد	۲۳ درصد	۱۲ درصد	۱۰۰ درصد
مقایسه رجشمار	۲۳ رج به پائین	۲۵ تا ۵۱ رج	۵۲ رج به بالا	..
	۱/۵۷۵/۰۰۰	۵/۴۰۰/۰۰۰	۵۲۵/۰۰۰	
	۲۱ درصد	۷۲ درصد	۷ درصد	
مقایسه نوع چله	پنبه‌ای	پشمی	ابریشمی	..
	۵/۶۲۵/۰۰۰	۱/۵۰۰/۰۰۰	۳۷۵/۰۰۰	
	۷۵ درصد	۲۰ درصد	۵ درصد	
مقایسه نوع پرز	پشمی	پشمی و ابریشمی	ابریشمی	..
	۶/۶۷۵/۰۰۰	۶۰۰/۰۰۰	۲۲۵/۰۰۰	
	۸۹ درصد	۸ درصد	۲ درصد	

مأخذ: نتایج کلی آمارگیری صنعت و معدن کل کشور در سال ۱۳۷۴

۱۳۷۳ حدود ۸۵ درصد فرش‌های تولیدی به کشورهای خارج صادر گردیده است. در سال مذکور میزان ۳۶۲۴۳ تن فرش به ارزش \* ۱۶۷۴ میلیون دلار صادر شده است. در اوایل سال ۱۳۷۴ با اتخاذ سیاست‌های ارزی دولت از یک طرف و از طرف دیگر مشکلات اقتصادی در کشورهای عمده خریدار فرش موجب گردید صادرات فرش دستباف کاهش یابد بطوریکه در سال ۱۳۷۶ بر اساس آمار برآورد گمرک میزان ۲۲۷۳۴ تن فرش به ارزش ۵۹۵ میلیون دلار بخارج از کشور صادر گردیده است.

شایان ذکر است اوج صادرات فرش ایران در سال ۱۳۷۳ و دومانه اول سال ۱۳۷۴ بوده است. جدول زیر میزان صادرات فرش دستباف و روند آن را از سال ۱۳۵۲ الی ۱۳۷۶ نشان می‌دهد.

اضافه می‌نماید از سال ۱۳۵۹ صادرکنندگان فرش ملزم به سپردن پیمان ارزی گردیدند و نظر به اینکه ارزیابی فرش‌های صادراتی بر اساس قانون گمرکی

بود به پائین‌ترین سطح رسید و بدنبال آن میزان تولید فرش دستباف هم به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت. اما با اتخاذ سیاست‌های تشویق صادرات که از سال ۱۳۶۳ شروع گردیده صادرات فرش تدریجاً روند صعودی را طی نمود و بدنبال آن با اجرای برنامه‌ها و گسترش فعالیت‌های تولیدی فرش توسط سازمانها و نهادهای مختلف میزان تولید فرش دستباف هم افزایش یافت و به مرز ۷/۵ میلیون متر مربع رسید.

جدول ذیل برآورد تولید فرش دستباف را در طی سالهای مختلف نشان می‌دهد:

سال	میزان تولید
۱۳۶۰	۵/۲ میلیون متر مربع
۱۳۶۶	۵/۳ میلیون متر مربع
۱۳۷۳	۷/۵ میلیون متر مربع

۲- میزان صادرات  
بخش اعظم تولید فرش دستباف ایران به خارج از کشور صادر می‌شود در سال

## صادرات فرش ایران طی سالهای ۱۳۵۲

الی ۱۳۷۶

سال	مقدار به هزارتن	ارزش به میلیون دلار
۱۳۵۲	۱۱/۷	۱۰۲
۱۳۵۳	۱۴/۳	۱۱۵
۱۳۵۴	۱۴/۴	۱۰۲
۱۳۵۵	۶/۸	۹۳
۱۳۵۶	۶	۸۳
۱۳۵۷	۵/۵	۸۳
۱۳۵۸	۷/۶	۳۱۱
۱۳۵۹	۵/۲	۳۲۰
۱۳۶۰	۲/۱	۱۶۹
۱۳۶۱	۱	۸۰
۱۳۶۲	۱/۹	۱۱۰
۱۳۶۳	۳/۲	۱۱۷
۱۳۶۴	۳/۱	۱۳۴
۱۳۶۵	۱۰/۶	۳۹۰
۱۳۶۶	۱۲/۹	۳۸۱
۱۳۶۷	۷/۶	۳۰۴
۱۳۶۸	۸/۳	۳۵۳
۱۳۶۹	۱۰/۸	۵۰۳
۱۳۷۰	۲۰	۱۱۱۷
۱۳۷۱	۱۹/۸	۱۰۹۳
۱۳۷۲	۲۹/۱	۱۳۸۳
۱۳۷۳	۳۶/۲	۱۶۷۳
۱۳۷۴	۲۶/۴	۹۱۹
۱۳۷۵ *	۲۱	۶۰۲
۱۳۷۶ *	۲۲	۵۹۵

\* مأخذ - آمار بازرگانی خارجی کشور

\* به علت کاهش سی درصدی نرخ پیمان فرش در سال ۷۵ بخشی از کاهش صادرات فرش در این سال مربوط به کاهش قیمت پیمان می باشد.

\* در سال ۱۳۷۶ مقدار ۱۵۰ میلیون دلار صادرات فرش همراه مسافر بوده است که در آمار رسمی کشور لحاظ نشده است.

صادرات فرش ایران به این جامعه انجام می شود. وابستگی زیاد فرش ایران را به اروپا نشان می دهد و مسئله مذکور آسیب پذیری صادرات فرش ما را در صورت بروز هرگونه اختلال در روابط فیما بین ایران با کشورهای عضو اتحادیه اروپائی بدنبال خواهد داشت لذا ضرورت دستیابی به بازارهای جدید و گشودن راههای جدید بمنظور کمتر نمودن این وابستگی بیش از پیش احساس می شود.

در مورد روند تجارت فرش در جهان براساس آمارهای منتشره توسط مرکز تجارت بین المللی، ارزش تجارت جهانی فرش از ۳۵۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۵ به ۲۲۰۷ میلیون دلار در سال ۱۹۹۵ افزایش یافته است. البته این افزایش با توجه بروند نزولی قیمت فرش کشورهای صادرکننده در طی ۲۰ ساله اخیر ناشی از صدور حجم زیاد فرش با قیمت ارزان توسط کشورهای مختلف و رقابت آنها جهت کسب سهم بیشتر از بازار جهانی می باشد. جدول ذیل ارزش واردات جهانی فرش دستباف در طی سالهای ۱۹۸۹ الی ۱۹۹۶ نشان می دهد.

### واردات جهانی فرش دستباف

سال	ارزش - میلیون دلار
۱۹۸۹	۲۲۴۹
۱۹۹۰	۲۳۴۰
۱۹۹۱	۲۳۸۱
۱۹۹۲	۲۲۷۲
۱۹۹۳	۲۳۸۳
۱۹۹۴	۲۴۶۲
۱۹۹۵	۲۲۰۷
۱۹۹۶	۲۰۰۰

\* مأخذ آمار مرکز تجارت جهانی

همانطوریکه در آمارهای فوق الذکر مشاهده می شود بالاترین میزان تجارت جهانی فرش در سال ۱۹۹۴ می باشد که بخش قابل توجهی از آن مربوط به افزایش

کشورهای صادرکننده فرش بالاترین سهم از تجارت جهانی فرش را بخود اختصاص داده است.

نکته قابل ذکر اینکه با توجه به نوسانات و رویدادهای اقتصادی و سیاسی در جامعه اروپائی و در نظر داشتن این که ۶۵ درصد

درصد در سال ۱۹۹۶ کاهش یافته است و این در حالی است که سهم هندوستان طی این دوره از ۸/۹ درصد به ۲۰ درصد و سهم چین از ۴/۹ درصد به ۱۷ درصد و سهم ترکیه از ۳/۷ درصد به ۷ درصد افزایش یافته است ولی هنوز هم ج. ا. ا در بین

## درصد سهم کشورهای صادرکننده فرش دستباف در تجارت جهانی از لحاظ

### ارزش

نام کشور	۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۸۰	۱۹۷۶
ایران	۳۱	۲۹/۸۲	۲۵/۷۴	۲۰/۵۹	۲۹/۱۶	۳۵/۷	۳۱
هندوستان	۲۰	۱۸/۶۴	۱۶/۷۷	۱۸/۳۳	۱۶/۸۹	۱۴/۱۲	۸/۹
چین	۱۷	۱۷/۷۷	۱۶/۵۲	۱۶/۷۶	۱۶/۶۱	۱۵/۴۵	۴/۹
نیپال	۹	۸/۲۲	۸/۰۸	۹/۵۲	۸/۲۸	-	-
پاکستان	۸	۷/۳۲	۶/۰۹	۶/۷۱	۷/۷۹	۱۵/۱	۱۲/۱
ترکیه	۷	۶/۱۷	۵/۳۲	۵/۸۷	۷/۳۱	۵/۹۶	۳/۷
مراکش	-	۱/۳۹	۱/۲۱	۱/۲۱	۱/۲۵	۱/۷۲	۵/۸

مأخذ - آمار مرکز تجارت بین المللی

- فروش ..... ۹۵/۰۰۰ ریال
- قیمت متوسط مصرف نخ پنبه در هر مترمربع
- فروش ..... ۳۳/۰۰۰ ریال
- هزینه استهلاک ابزار قالبیابی در هر مترمربع فرش ۳/۰۰۰ ریال
- استهلاک دار قالی در هر مترمربع فرش ..... ۸۰۰۰ ریال
- هزینه متوسط نخ ابریشم در هر مترمربع فرش
- ابریشمی ..... ۵۰۰/۰۰۰ ریال
- هزینه متوسط دستمزد فرش تمام ابریشم
- هرمترمربع ..... ۵۰۰/۰۰۰ ریال
- هزینه متوسط دستمزد هر مترمربع فرش چله
- ابریشم ..... ۷۰۰/۰۰۰ ریال
- هزینه متوسط دستمزد هر مترمربع فرش پشمی ۱۷۰/۰۰۰ ریال

- تخمین و برآورد نموده و بعنوان پایه محاسبات مورد استفاده قرار گرفته اند.
- فهرست آمار و اطلاعات صنعت فرش**
- تعداد دارهای فعال قالبیابی کشور ..... ۱/۲۰۰/۰۰۰ دار
- تعداد بافندگان ..... ۱/۸۷۹/۰۰۰ نفر
- تعداد شاغلین جنبی ..... ۲۸۵/۰۰۰ نفر
- متوسط مصرف نخ پشم در هر متر مربع فرش پشمی ۳/۸ کیلوگرم
- متوسط مصرف نخ پنبه برای تار و بود هر مترمربع فرش ..... ۲/۳ کیلوگرم
- متوسط مصرف نخ ابریشم اعم از تار و بود در هر متر مربع فرش ابریشمی ..... ۳/۵ کیلوگرم
- متوسط قیمت نقشه برای متر مربع فرش پشمی ..... ۱۵/۰۰۰ ریال
- متوسط هزینه ابزار قالبیابی برای هر دار قالی ..... ۷۰/۰۰۰ ریال
- متوسط بهای یک دار فلزی قالبیابی ..... ۴۰۰/۰۰۰ ریال
- قیمت متوسط مصرف نخ پشم در هر مترمربع

صادرات فرش ایران در سال ۱۳۷۳ بوده است و پس از این سال واردات جهانی فرش بخاطر مشکلات موجود در بازارهای جهانی روند نزولی را طی می نماید.

**بخش سوم - بررسیهای اقتصادی**  
(الف) مقدمه

همانطوریکه قبلاً اشاره گردید برای هر تحلیل اقتصادی نخست باید آمار و ارقام قابل اعتماد در دست باشد از آنجا که اطلاعات و آمارهای مربوط به صنعت فرش یا در دسترس نیستند و یا اینکه غیر قابل قبول هستند لذا بمنظور حصول اطمینان از آمارهای موجود دبیرخانه کمیته پندک تبصره ۵ قانون بودجه طی چندین نشست با مسئولان و کارشناسان فرش اقدام به تبادل نظر و بررسی مقایسه ای آمارهای کلان و خرد نموده و نتایج زیر را که می توان آنها را به واقعیت نزدیک دانست

### ب - سرمایه گذاری

#### ۱ - سرمایه گذاری ثابت:

##### - ساختمان

از آنجائی که اکثر قالی ها در ایران بصورت خانگی بافته می شود و براساس آمارگیری سال ۱۳۷۳ مرکز آمار ایران، ۸۳/۶ درصد بافندگان فرش را زنان تشکیل می دهند و معمولاً خانمهای بافنده فرش در همان اتاق که زندگی می کنند به بافت فرش هم مشغول هستند لذا نکته بسیار مهم قالبیابی در ایران

براساس آمارهای منتشره توسط مرکز تجارت بین المللی، ارزش تجارت جهانی فرش از ۳۵۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۵ به ۲۲۰۷ میلیون دلار در سال ۱۹۹۵ افزایش یافته است. البته این افزایش با توجه بروند نزولی قیمت فرش کشورهای صادرکننده در طی ۲۰ ساله اخیر ناشی از صدور حجم زیاد فرش با قیمت ارزان توسط کشورهای مختلف و رقابت آنها جهت کسب سهم بیشتر از بازار جهانی می باشد. جدول ذیل ارزش واردات جهانی فرش دستباف در طی سالهای ۱۹۸۹ الی ۱۹۹۶ نشان می دهد.



عوامل تولید	مقدار	قیمت متوسط
پشم مصرفی	۳/۸ کیلوگرم	۹۵۰۰۰
نخ پنبه	۲/۳ کیلوگرم	۳۳۰۰۰
هزینه نقشه		۱۵۰۰۰
هزینه استهلاک ابزار		۳۰۰۰
دستمزد		۱۷۰۰۰۰
هزینه‌های آماده سازی		۱۵۰۰۰
هزینه‌های قانونی		۲۵۰۰۰
بانک و غیره		
هزینه دارقالی و سایر هزینه‌ها		۲۴۰۰۰
جمع		۳۸۰/۰۰۰

بهره‌گیری از فرصت‌های بلا استفاده در زندگی خانوار می‌باشد. تعیین و برآورد ارزش ساختمان محل بافت فرش و کارگاهها و واحدهای ریسندگی و فعالیتهای جنبی قالیبافی و همچنین سرقفلی انبارها و مغازه‌های فرش فروشی بعلت در دسترس نبودن آمار و اطلاعات مطمئن امکان پذیر نمی‌باشد. بهمین جهت ارزش ساختمان و محل بافت فرش و فعالیتهای جنبی X میلیارد ریال در نظر گرفته شده است.

- دار و ابزار

تعداد دارهای فعال قالیبافی در کشور ۱/۲۰۰/۰۰۰ دستگاه تخمین زده می‌شود و معادل همین تعداد نیز دارهای غیرفعال وجود دارد که ارزش آنها را می‌توان بعلت مستهلک شدن در نظر نگرفت و دارهای فعال را ۵۰ درصد ارزش دارهای نو بشرح ذیل محاسبه کرد:

$$\text{متوسط ارزش هر دار} \quad \text{تعداد دارقالی در کشور} \\ ۲۴۰ = ۲۰۰.۰۰۰ \times ۱.۲۰۰.۰۰۰$$

میلیارد ریال ارزش دارهای کشور

در مورد ابزار قالی بافی با در نظر گرفتن اینکه هر بافنده یک دست ابزار در اختیار دارد و در برخی موارد هم بعضی از بافندگان احتیاطاً بیش از یک دست ابزار دارند لذا ارزش ابزار قالیبافی کشور بشرح زیر محاسبه می‌شود.

$$\text{ارزش مردست ابزار} \quad \text{تعداد ابزار قالیبافی در کشور} \\ ۸۰ = ۳۰.۰۰۰ \times ۲.۷۰۰.۰۰۰ \\ ۱۰۰ = ۲۴۰ + ۸۰ + ۲۲۰ \times \text{میلیارد ریال}$$

### ۲- وسیله نقلیه

اگر وسیله نقلیه مناسب در صنعت فرش را حدود ۴۰۰۰ دستگاه و ارزش هر کدام را ۲۵ میلیون ریال در نظر بگیریم ارزش وسیله نقلیه که مستقیماً درگیر تولید فرش می‌باشند بشرح زیر محاسبه می‌شود.

$$\text{ارزش هر دستگاه} \quad \text{تعداد وسیله نقلیه} \\ ۱۰۰ = ۲۵۰.۰۰۰ \times ۴۰۰$$

میلیارد ریال ارزش وسیله نقلیه

بنابراین با توجه به محاسبات بالا برآورد کل سرمایه‌گذاری ثابت در صنعت فرش بصورت زیر می‌باشد.

$$\text{بهای هر متر مربع} \quad \text{متر از تولید} \\ ۱۲۲۵ = ۳۸.۰۰۰ \times ۵۰ \times ۷۵۰.۰۰۰ \\ \text{میلیارد ریال سرمایه تولید} \\ ۲۸۵۰ = ۳۸۰.۰۰۰ \times ۷۵۰.۰۰۰ \times \text{میلیارد ریال}$$



«همانطور که جدول نشان می‌دهد سهم ایران از تجارت جهانی فرش از ۴۱ درصد در سال ۱۹۷۶ طی یک دوره ۲۰ ساله به ۳۱ درصد در سال ۱۹۹۶ کاهش یافته است و این در حالی است که سهم هندوستان طی این دوره از ۸/۹ درصد به ۲۰ درصد و سهم چین از ۴/۹ درصد به ۱۷ درصد و سهم ترکیه از ۳/۷ درصد به ۷ درصد افزایش یافته است ولی هنوز هم ج.ا.ا در بین کشورهای صادرکننده فرش بالاترین سهم از تجارت جهانی فرش را بخود اختصاص داده است.

خواب فرش تا مرحله فرش

$$۲۲۵۷ = ۲۸۵۰ + ۱۴۲۵ \text{ فروش میلیارد ریال}$$

بنابراین جمع سرمایه گذاری در صنعت فرش بدون احتساب ارزش ساختمان بصورت زیر است:

$$X + ۲۲۷۵ = ۲۶۹۵ + X$$

میلیارد ریال

$$۶۲۶/۰۰۰ > ۷۵۰۰۰۰ \text{ به } ۴/۶۹۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰$$

متوسط برآورد سرمایه گذاری برای هر متر مربع فرش

سرمایه گذاری جدید در فرش با توجه به اینکه نرخ بهره بانکی را ۲۰ درصد محاسبه کنیم داریم:

$$\text{ریال } ۱۲۵۲۰۰ = ۲۰\% \times ۶۲۶۰۰۰$$

سود سالیانه سرمایه گذاری در هر متر مربع فرش

$$\text{ریال } ۵۰۵۲۰۰ > ۳۸۰۰۰۰ + ۱۲۵۲۰۰$$

برآورد قیمت تمام شده واقعی هر متر مربع فرش

بنابراین قیمت تمام شده فرش ایران با سرمایه گذاری جدید مقرون بصرفه نیست و اقتصادی نمی‌باشد اما تولیدکننده فرش

که در امروز هزینه‌های ثابت و حتی بعضی از هزینه‌های متغیر را قبلاً پرداخت کرده است تا زمانی که هزینه جاری متغیر

آخرین واحد فرش تولیدی اش از بهای آخرین واحد فرش فروش رفته بیشتر

نشود به تولید فرش ادامه می‌دهد و حتی تا نقطه سر به سر هم به تولید ادامه خواهد داد

لذا می‌باید تدابیری اندیشید که تولیدکننده فرش با سودآوری مناسب امیدوارانه به

قالیبافی ادامه دهد.

هزینه‌های ثابت تولید فرش به لحاظ عدم نیاز به ماشین آلات رقم بالائی را در هر متر مربع فرش تشکیل نمی‌دهد ولی هزینه‌های متغیر (مواد اولیه و دستمزد) درصد بالائی از هزینه تولید را بخود اختصاص داده اما متاسفانه در بعضی از مناطق قالیبافی بدلیل عدم استفاده بهینه از مواد اولیه مرغوب و تقلب در بافت بمنظور تولید فرش ارزان قیمت، لطمه سنگینی برآینده فرش دستباف کشور وارد نموده و این مسئله موجب خواهد شد در دراز مدت بافندگان خوب و متوسط از بافت فرش دلسرد گردند.

۳- دستمزد

طبق برآوردهای بعمل آمده متوسط هزینه دستمزد هر متر مربع فرش پشمی حدود ۱۷۰/۰۰۰ ریال می‌باشد و متوسط کارکرد سالیانه هر بافنده براساس آمارگیری سال ۱۳۷۲ به میزان ۱۶۵ روز در سال با ۵ ساعت کار روزانه برآورد گردیده است. این امر ناشی از فصلی بودن کار کشاورزی و فعالیت‌های ساختمانی و پرکردن خلاء ناشی از اوقات بیکاری بافنده فرش می‌باشد و محاسبات دستمزد بشرح زیر است:

$$۶۸۰/۰۰۰ \times ۴ = ۲۷۰۰/۰۰۰$$

متوسط دستمزد هر متر مربع فرش

متوسط دستمزد سالیانه بافندگان

$$۱۲۲۶۲۶ = ۱۶۵ \times ۳۰ = ۶۸۰۰۰۰$$

ریال متوسط دستمزد ماهانه بافنده فرش با

توجه باینکه تعداد خانوار قالیباف طبق

سرشماری سال ۱۳۷۲ به میزان ۹۶۲/۵۹۰

خانوار و تعداد بافندگان ۱/۸۷۹/۸۷۸ نفر

ذکر گردیده و این خانوارها از صنعت فرش منتفع می‌شوند لذا درآمد خانوار قالی‌باف به شرح زیر می‌باشد:

تعداد خانوار تعداد بافندگان دستمزد ماهانه

$$۲۲۱/۳۵۲ = ۹۶۲/۵۹۰ \times ۱/۸۷۹/۸۷۸ \times ۱۲۳/۶۲۶$$

متوسط درآمد خانوار در زمان یافت

$$۱۰۹/۱۵۰ = ۲۲۱/۳۵۲ \times ۱۶۵/۳۶۵$$

متوسط درآمد خانوار از محل قالیبافی در ماه

تعداد خانوارهای قالیباف تعداد اعضاء خانوارهای قالیباف کشور

$$۶/۲۲ - ۹۶۲۵۹۰ = ۶۲۰۰۰۰۹$$

متوسط تعداد نفرات هر خانوار

$$۱۰۹۱۵۰ = ۶/۲۲ \times ۱۶۹۴۸$$

ریسال متوسط سهم هر عضو خانوار قالیباف از درآمد ماهیانه خانوار

ملاحظه می‌شود که رقم فوق الذکر بسیار ناچیز می‌باشد اما چه باید کرد اگر خانوار

قالیباف هم از این درآمد محروم بماند از کجا و از چه منبعی باید تامین شود مضافاً

اینکه صادرات چه کالاهائی می‌تواند در شرایط کنونی جایگزین فرش در کوتاه

مدت شود. براساس آمارگیری سال ۱۳۷۲ حدود یک سوم از جمعیت قالیباف ایران

بی‌سواد هستند و ضرورت دارد از حقوق انسانی، اجتماعی و اقتصادی این قشر به

نحوی دفاع گردد.

۴ - تکنولوژی تولید

با نگاهی به روند تولید تصویر مناسبی از بومی بودن این هنر ملی می‌توان ترسیم

کرد. روند تولید شامل اندازه فرش و نقشه آن، انتخاب رنگ و مواد اولیه مناسب با رجشمار انتخابی، چله کش، آماده سازی برای بافت، گلیم بافی و شروع کارگره زدن پسرز فرش، پودکشی نازک و ضخیم، شیرازه پیچی، دغه زدن، قیچی کردن پسرز، اتمام بافت و پائین آوردن فرش از دار. اندازه فرش بستگی به ساختمان سازی و معماری هر منطقه دارد. هم اکنون مهندسين ایرانی به تقلید از مهندسی غربی ورودی خانه را یک هال می دهند که حداقل ۴ یا ۵ درب در آن باز می شود و دیگر جایی برای نشستن روی زمین باقی نمی ماند. تلویزیون در گوشه ای از هال و میز و صندلی در میان آن قرار دارد. در این چنین شرایطی فرش دستباف و پستی نقش کم رنگی را بازی می کند و نقش اصلی را میز و صندلی و تلویزیون بعهده دارند و مهندس ایرانی نمی داند که با این معماری مادر خود را که او را با درآمد بافندگی فرش بزرگ کرده و به دانشگاه فرستاده بیکار کرده است. حرکت ما در ایران با توجه به میزان درآمد و هزینه توده مردم و معماری رایج امروزی به سمت کم رنگ شدن نقش فرش دستباف در خانه های ما باشد و در آینده باید بین تولید کمتر فرش همراه با بیکاری فزاینده و یا اصلاح ساختار اقتصادی و پولی و مالی کشور یکی را انتخاب کرد. طراحان نقشه های فرش ایرانیان هستند و حرف اول را در دنیا می زنند. تنوع طرح و رنگ فرش ایران امتیاز بزرگی است که فرش ایران در مقابل رقبای فرش ایرانی سربلند کرده است و امکان صدور تکنولوژی طراحی فرش را داریم. اما به منظور حفظ برتری فرش ایران این امر به صلاح نمی باشد.

رنگرزی خامه فرش به دو گونه می باشد، رنگرزی طبیعی و شیمیائی. رنگرزی طبیعی مستلزم زمان و هزینه و سختی کار بیشتری است و در عوض رنگهای با ثبات و

اصیلی را ارائه می دهد و در حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد از رنگرزی خامه های موجود را جوابگو می باشد. اکثر رنگرزی خامه ها بصورت شیمیائی است که مواد رنگی آن از خارج وارد می شود.

مواد اولیه مورد مصرف در فرش شامل پشم، پنبه و ابریشم است. میزان پشم مورد نیاز با احتساب ۷/۵ میلیون متر مربع تولید فرش حدود ۷۰ هزار تن پشم ناشور می باشد و با توجه به تولید ۶۰ هزار تن پشم داخلی در نهایت سالیانه حدود ۱۲ هزار تن کمبود پشم خواهیم داشت که معمولاً بخشی از آن از کشورهای استرالیا، زلاندنو و اروگوئه و مقداری هم از طریق مرزهای زمینی به کشور وارد می شود. اضافه می نماید تمام پشمهای وارداتی در صنعت فرش استفاده نمی شود و همچنین از میزان واردات پشم از مرزهای زمینی آماري در دست نمی باشد.

ارقام زیر محاسبات میزان تولید و مصرف پشم مورد نیاز در صنعت فرش را نشان می دهد.

کیلوگرم استحصال پشم از هر کوسفند تعداد رأس کوسفند کشور

۶۰۰۰ = ۱/۲ × ۵۰۰۰۰/۱۰۰۰

میزان تولید پشم کشور به تن

پژوهشگاه علوم انسانی  
بقيه در صفحه ۳۹

### بقیه از صفحه ۳۷

ضروریترین نیازهای اقشار محروم جامعه می باشد.

باتوجه به آنچه گفته شد بی شک یکی از روشهای موفق برای محرومیت زدایی در کشور استفاده از تعاونها است که شرط لازم برای فعال نمودن این بخش تخصیص اعتبارات لازم به بخش تعاون جهت پیشبرد امر آموزش از یک سو، و اتخاذ تصمیمات مناسب به منظور همکاری بیش از پیش سیستم بانکی کشور جهت پرداخت

اعتبارات تخصیص داده شده به بخش تعاون - به متقاضیان تشکیل شرکتهای تعاونی - از سوی دیگر است.

### منابع و مآخذ

- ۱- مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، بررسی جایگاه تعاون در بازرگانی خارجی کشور، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی ۱۳۶۸
- ۲- دفتر امور اقتصادی وزارت تعاون، آمار شرکتهای تعاونی معدنی کشور بر اساس آخرین سرشماری مرکز آمار ایران، وزارت تعاون، ۱۳۷۲.
- ۳- اداره کل تعاون استان فارس، پیک تعاون (۲)، ۱۳۷۲
- ۴- اداره کل تعاون استان سیستان و بلوچستان، عملکرد اداره کل تعاون استان سیستان و بلوچستان تا پایان سال ۱۳۷۴
- ۵- اتاق تعاون مرکزی، فصلنامه اتاق تعاون استان مرکزی، سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۷۳.
- ۶- گزارش اجمالی از: چگونگی تأسیس و عملکرد مؤسسه هماهنگی صیادی.
- ۷- دفتر امور اقتصادی و برنامه ریزی وزارت تعاون، "تحلیلی بر وضعیت تعاونیهای ایثارگران طی سالهای ۱۳۷۲-۱۳۷۳"، وزارت تعاون، تهران، ۱۳۷۴
- ۸- دفتر تعاونیهای تولیدی و خدمات تولیدکنندگان وزارت تعاون، "گزارش طرحهای افتتاحی تعاونیها در هفته تعاون، سال ۱۳۷۴ وزارت تعاون، تهران، ۱۳۷۴.
- ۹- دفتر امور تعاونیهای کشاورزی وزارت تعاون، "خلاصه عملکرد تعاونیهای کشاورزی در برنامه پنجساله اول توسعه".
- ۱۰- اداره کل تعاون استان کهگیلویه و بویراحمد، "اداره کل تعاون استان کهگیلویه و بویراحمد در یک نگاه" باسوج، ۱۳۷۲.
- ۱۱- مرکز آمار ایران، "سرآورد متوسط هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی"، تهران، ۱۳۷۳.

### زیر نویس ها:

- ۱- قره باغان، مرضی، اقتصاد رشد و توسعه، نشر نی، تهران ۱۳۷۰
- ۲- بدخشان، گیتی، روشهای جدید بازاریابی محصولات کشاورزی، مجله بانک و کشاورزی.
- ۳- شهپرور، علی حسین، "توسعه تعاونیها در استان کهگیلویه و بویراحمد"، مجله تعاون، شماره ۴۲.
- ۴- روابط عمومی اداره کل تعاون استان کردستان، "عملکرد اداره کل تعاون استان کردستان در سال ۱۳۷۲"
- ۵- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری سال ۱۳۷۳، تهران، سال ۱۳۷۳.



# توسعه اجتماعی در منطقه آسیا - اقیانوسیه

## نقش تعاون در قطعنامه اجلاس زمین و

### مسائل اجتماعی

تعاونی‌ها می‌توانند:

فرصت‌هایی را برای گروه‌های محروم بوجود آورند. آنها می‌توانند آموزش بدهند و بین محصولات که برای مصرف انسان مضر هستند، تمایز قائل شوند. همچنین تعاونی‌ها می‌توانند تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را به هم نزدیک نمایند، و کالاهای خواست مصرف‌کنندگان را با ارزش افزوده ارائه دهند. رابطه متقابل و تحکیم رابطه میان تعاونی‌ها به ساخت انضباط اجتماعی کمک می‌کند.

نویسنده: آپالی هراث

مترجمین: کریم میرزاخانی - مرجان درویش

کردهمایی سازمان‌های غیر دولتی «NGO» با موضوع توسعه اجتماعی در منطقه آسیا و اقیانوسیه که در سپتامبر ۱۹۹۷، در کوالالمپور برگزار شد، نشان از نحوه موفقیت تعاونی‌ها در حمایت از توسعه اجتماعی، کاهش فقر، اشتغال‌زایی و معاش پایدار بود.

نهضت بین‌المللی تعاون، تأکید فزاینده‌ای در زمینه ارزش‌های انسانی، و پویا نمودن شرکت‌های تعاونی داشته است. به گونه‌ای که در برخی سازمان‌ها، عملیات تجاری منفعت طلبانه فدای ارزش‌های اجتماعی شده است و این در حالی است که در کشورهای توسعه یافته، تعاونی‌ها در قالب شرکت‌های بزرگی فرو رفته‌اند که پیوندهای خود را توسعه اجتماعی و مردمی بریده‌اند.

با این حال، در اجلاس مسائل اجتماعی سازمان ملل متحد در مارس ۱۹۹۵ در کپنهاگ و اجلاس قبلی که در سال ۱۹۹۱ در

ریودوژانیرو منعقد شد، به نقش واقعی تعاونی‌ها در زمینه توسعه پایدار اذعان شد.

دبیر کل سازمان ملل طی سخنانش در سالروز بین‌المللی تعاون در جولای ۱۹۹۵ اظهار نمود: شرکت‌های تعاونی، ابزارهای سازمانی، را ایجاد می‌کنند که به موجب آن نسبت مهمی از انسان‌ها می‌توانند نقش ایجاد اشتغال مولد، غلبه بر فقر و دستیابی به انسجام اجتماعی را در دست خود بگیرند. تعاونی‌ها الگوی سازمانی مردم محور، برپایه انصاف، عدالت و همبستگی ارائه می‌دهند.

کنگره اتحادیه بین‌المللی تعاون «ICA» در منچستر به این مجادله با افزودن یک اصل در مورد اجتماع پاسخ داد. کنگره اتحادیه بین‌المللی تعاون با تأکید بر نقش اعضا، تعاونی‌ها را برای فعالیت در راستای ایجاد اجتماع پایدار به لحاظ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ملزم می‌کند. **تجهیز محیط برای توسعه اجتماعی**

دولت‌های جنوب و جنوب شرقی آسیا از

تعاونی‌ها به عنوان وسیله‌ای برای ارائه برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی به جوامع فقیر بهره جست‌اند. زیرا که دولت‌ها با دید حمایتی به تعاونی‌ها نگریده‌اند، و همواره کوشیده‌اند خودمختاری و استقلال تعاونی‌ها را به عنوان سازمان‌های خودمحور و اعضا مدار نگاه دارند.

اتحادیه بین‌المللی تعاون نشست وزیران تعاون را سالی دوبار به منظور بهبود تفاهم بین دولت‌ها و تعاونی‌ها تشکیل داد. در اجلاس‌های زمین و مسائل اجتماعی، پیشنهاداتی ارائه شد تا نهضت تعاون الگوی خود را برای توسعه پایدار و بازنگری نقش دولت‌ها و تعاونی‌ها ترسیم نماید.

بحث و گفتگو در مورد این ارتباط، بر قابلیت تعاونی‌ها به عنوان سازمان‌های اعضا محور و مستقل، که اجتماعات را می‌سازند و نیاز دولت‌ها را به مشارکت با مؤسساتی که عرف مردمی را توسعه داده و یک جامعه خود اتکاء بوجود آورده‌اند، تمرکز یافته است.

نهضت تعاونی درصدد تغییرات

اساسی برآمده است تا اقشار ضعیفتر جامعه را صاحب قدرت نماید. زیرا که مشارکت پایه تعاون می باشد.

در مورد اقتصادهای انتقالی، سیاست‌های تعاونیها واضح نبوده‌اند، و بخش خصوصی نیز از مزیت رقابت (با برخی استثنائات) بهره‌مند شده است.

اجلاس مسائل اجتماعی، از دولت‌ها خواست تا اقداماتی جهت گشایش فرصت‌های بازار برای افرادی که در فقر و اوضاع نابسامان زندگی می‌کنند، انجام دهد و افراد و اجتماعات را تشویق کند که ابتکارات اقتصادی را به عهده گیرند. طی این فرآیند انتقالی، بسیاری از تعاونیهای تولیدی و بازاریاب روبه افول گذاردند!

دولت‌ها یک نقطه توقف مثبت را از طریق کاهش موانع قانونی و سیاست‌ها کسب نموده‌اند، که دارایی‌های بسیار کوچک کارآمد و رقابتی را منظور نمایند، تا به ایجاد تسهیلات اعتباری و قراردادی برای فقرا منتهی شود. در این میان، بانکهای تجاری نیز شروع به توسعه تسهیلات اعتباری برای بخش‌های روستایی نموده‌اند.

مشارکت با تعاونی‌های مالی می‌تواند بخش تعاونی را در جوامع فقیر استحکام بخشد اما هنوز موقعیت‌ها کاملاً برای تعاونی‌ها جهت استفاده از مازاد سرمایه به منظور منتفع ساختن اعضایشان شناخته شده نیست. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، بانکهای تجاری، این مازادها را به منظور سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی و سرمایه‌گذاریهای کلان سودآور به ضرر سپرده‌گذاران استفاده می‌کنند.

نظرات اجلاس مسائل اجتماعی در دور مذاکرات تجاری چند جانبه اروگوئه و نتیجه موافقت نامه سازمان تجارت بین الملل «WTO» یک اثر تلفیقی بر تعاونی‌ها داشته است. جوامع کشاورزی سنتی و تولیدکنندگان، با افزایش صادرات مواجه

از میان ۸۳۵ عضو منفرد جهانی اتحادیه بین المللی تعاون، که در بیش از ۹۷ کشور پراکنده‌اند (۷۰ درصد خانوار در سطح بین الملل) ۵۰۰ میلیون در ۲۶ کشور آسیایی و اقیانوسیه ساکن هستند. بر اساس گزارش سازمان ملل متحد ۷۵ درصد کل جمعیت کشورهای در حال توسعه، همکاری تنگاتنگی با تعاونی‌ها دارند.



شده‌اند، در حالیکه تولیدکنندگان محلی سهم خود را در زمینه واردات از دست داده‌اند. این اجلاس اعلام کرد، با وجود رقابت آزاد و مسئولیت اخلاقی در فعالیتهای تجاری و مشارکت بیشتر در بین دولت‌ها بسویژه در بخش خصوصی و جامعه شهری، هنوز دولت‌های بسیاری نمی‌توانند انتقال یکنواخت را از اقتصادی‌های بسته به اقتصادهای بازار آزاد تسهیل نمایند. برنامه‌های تطبیق ساختاری، برای

تعاونی‌ها سودآور نبوده است، چرا که از حمایت‌های رفاهی لازم دولت‌ها بی‌بهره بوده‌اند.

اجلاس مسائل اجتماعی اعلام کرد «سیستم‌های مالی و سایر سیاست‌های عمومی به سمت ریشه کن کردن فقر متمایل شده‌اند و اختلافات تفرقه انداز اجتماعی را بوجود نیاورده‌اند.»

تعاونی‌ها بوسیله آزمون مجدد سیستم‌های توزیع کمک هزینه، سود افرادی را که در فقر بسر می‌برند تضمین



می‌کنند مؤسسات سرمایه گذار بین المللی، کشاورزی بومی را به نفع کاشت محصولات صادراتی تجاری تضعیف نموده‌اند این موضوع خود تهدیدی برای امنیت غذایی است و اقتصاد پیشرفته را تحت انقیاد روشهای بازار جهانی درخواهد آورد که شرکت‌های فراملی ترسیم گرو آن هستند.

### مشارکت تعاونی در جهت کاهش فقر

ریشه کنی فقر مطلق و کاهش فقر شدید، نقطه عطف پیشنهادات کنفرانس مسائل اجتماعی بود، این اجلاس قابلیت تعاونیها در جهت رسیدن به اهداف توسعه اجتماعی و از بین بردن فقر را تأیید نمود.

تعاونی‌ها می‌توانند:

- گروههای محروم را به صورت سازمانهای خود اتکاء و خودیار تجهیز نمایند.
- منابع و فرصت‌های خود اشتغالی را فراهم آورند.
- آموزش مهارت‌های خود مدیریتی و رهبری را فراهم آورند.
- نیازهای اساسی و منابع مورد نیازشان را فراهم آورند.
- به عرضه آموزش حرفه‌ای و فن آوری نوین، جهت تولید، بازاریابی و صنایع خدماتی بپردازند.
- به افزایش معیشت مناسب، بوسیله ایجاد ظرفیت و تجهیز منابع بپردازند.
- آگاهیهایی لازم زیست محیطی و بهداشتی را به افراد ارائه دهند و به ترویج ارزشها، سیاست‌ها و تدابیر بپردازند.
- تاریخ نهضت تعاونی در آسیا و اقیانوسیه نشان می‌دهد که تعاونی‌ها در این مناطق دارای قدرت زیادی در جهت تحت تأثیر قرار دادن فقرا می‌باشند.

از میان ۸۳۵ عضو منفرد جهانی اتحادیه بین المللی تعاون، که در بیش از ۹۷ کشور پراکنده‌اند (۴۰ درصد خانوار در

سطح بین الملل) ۵۰۰ میلیون در ۲۶ کشور آسیایی و اقیانوسیه ساکن هستند. بر اساس گزارش سازمان ملل متحد ۷۵ درصد کل جمعیت کشورهای در حال توسعه، همکاری تنگاتنگی با تعاونی‌ها دارند.

بخش تعاونی اعتبار، بزرگترین نوع تعاونی است که در بیشتر کشورها فعالیت دارد. وجود دارایی‌های کوچک برای ادامه حیات جوامع روستایی ضروری است. بیش از ۷۰ درصد مردم کشورهای در حال توسعه در آسیای جنوبی، در مناطق روستایی بسر می‌برند. تعاونی‌های اعتبار،

### تعاونی‌ها می‌توانند:

- گروههای محروم را به صورت سازمانهای خود اتکاء و خودیار تجهیز نمایند.

- منابع و فرصت‌های خود اشتغالی را فراهم آورند.

- آموزش مهارت‌های خود مدیریتی و رهبری را فراهم آورند.

- نیازهای اساسی و منابع مورد نیازشان را فراهم آورند.

- به عرضه آموزش حرفه‌ای و فن آوری نوین، جهت تولید، بازاریابی و صنایع خدماتی بپردازند.

- به افزایش معیشت مناسب، بوسیله ایجاد ظرفیت و تجهیز منابع بپردازند.

- آگاهیهایی لازم زیست محیطی و بهداشتی را به افراد ارائه دهند و به ترویج ارزشها، سیاست‌ها و تدابیر بپردازند.

برای دستفروشیهای خیابانی، با وامهای سرمایه گذاری مزروعی دراز مدت، پیشرفت‌های روزانه را فراهم می‌آورند.

دارایی بخش کشاورزی توسط تعاونیها اداره می‌شوند و در تولید، عملکرد و جریان بازاریابی هم سهیم می‌باشند. انواع جدیدتر تعاونی‌ها، شامل تعاونی‌های کارگری است که حق انتخاب را برای شاغلین فعالیت‌های مختلف همانند جمع آوری ضایعات، بازیافت زباله، فراهم آورده‌اند.

بعلاوه خانه سازی و تأمین مسکن برای طبقه متوسط کم درآمد شهری از طریق تعاونی‌های موفق به عنوان یک پیامد جدی به حساب می‌آید.

تعاونی‌های مراقبت پزشکی نیز در حال گسترش می‌باشند، سازمان تعاونی بهداشت آسیا و اقیانوسیه، در آگوست ۱۹۹۷ شکل گرفت.

این تعاونی‌ها جهت مراقبت پزشکی خصوصی شامل موارد پزشکی، خدمات و مراقبت‌های پیشگیری کننده، فراهم شکل گرفته‌اند.

تعاونی‌های ماهیگیری، استوارترین مؤسسات بخش خدمات داوطلبانه جهت خدمت به جوامع فقیر ماهیگیری محسوب می‌شوند. تعاونی‌های ماهیگیری خدمات بازاریابی لوازم ماهیگیری و بیمه را فراهم می‌آورند.

تعاونیهای جوانان و بانوان نیز اثر بخش شرایط نامساعد می‌باشند نهضت تعاونی، مبارزه خاصی را همانند مقابله با دولت‌ها در تطبیق ساختاری شکل داده‌اند. اصلاحات ارضی، زراعت تجاری و خودداری از ارائه کمک هزینه، مشکلات جدی را مطرح کرده است.

### اشتغال و زندگی معیشتی

با کاهش خدمات دولتی، بیشتر مردم بیکار میشوند. اما تعاونی‌ها، کار را در هر دو پایه تمام وقت و نیمه وقت عرضه می‌کنند.

## دولت‌ها می‌توانند بواسطهٔ تعاونی‌ها در جهت آموزش و کمک به حفظ محیط زیست به طرق زیر عمل نمایند:

- فراهم کردن آموزش تعاونی و آموزش فنی بواسطهٔ مؤسسات دولتی
- تشویق آموزش فنی مربوط به تعاونی‌ها
- فراهم نمودن برنامه‌های توسعهٔ کارآفرینی برای اعضأ تعاونی‌ها
- عرضهٔ تخفیفهای مالیاتی برای فعالیتهای آموزشی

- فراهم نمودن برنامه‌های توسعهٔ کارآفرینی برای اعضأ تعاونی‌ها

- عرضهٔ تخفیفهای مالیاتی برای فعالیتهای آموزشی

**نقش تعاونیها در انسجام اجتماعی**

تعاونیها بواسطهٔ طبیعتشان، تشکیلاتی اجتماعی هستند که خود را به حاکمیت دموکراسی و تساوی مقید نموده‌اند.

اعضاء تعاونیها به لحاظ پیشگامی در برقراری عدالت اجتماعی و صلح از زمان، آغاز فعالیتشان، فعال شده‌اند.

### تعاونی‌ها همچنین می‌توانند:

فرصت‌هایی را برای گروههای محروم بوجود آورند. آنها می‌توانند آموزش بدهند و بین محصولات که برای مصرف انسان مضر هستند، تمایز قائل شوند. همچنین تعاونی‌ها می‌توانند تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را به هم نزدیک نمایند، و کالاهای خواست مصرف‌کنندگان را با ارزش افزوده ارائه دهند. رابطه متقابل و تحکیم رابطه میان تعاونی‌ها به ساخت انضباط اجتماعی کمک می‌کند.

### نتیجه:

تصمیمات اجلاس زمین و مسائل اجتماعی، توسط تعاونیها پذیرفته شده و تعاونیها در جهت عمل به سوی دستیابی به یک جامعه مناسب تقویت نموده است.

دولتها به سوی سازمانهای اقتصادی و اجتماعی دست مودت دراز می‌کنند.

تعاونی‌ها به مردم راه حل‌های اساسی و مناسبی را جهت کاهش فقر و تأمین عدالت اجتماعی عرضه می‌کنند.

دولت‌ها می‌توانند بواسطهٔ تعاونی‌ها در جهت آموزش و کمک به حفظ محیط زیست به طرق زیر عمل نمایند:

- فراهم کردن آموزش تعاونی و آموزش فنی بواسطهٔ مؤسسات دولتی

- تشویق آموزش فنی مربوط به تعاونی‌ها



مشارکت آنها در این زمینه از چندین راه صورت گرفته است:

- اشتغال مستقیم در بنگاههای تعاونی

- اشتغال غیر مستقیم بواسطهٔ خوداشتغالی

- آموزش فنی و حرفه‌ای

مهمترین همکاری تعاونی‌ها به لحاظ ایجاد اشتغال مناسب، فراهم آوردن منابع و موقعیت‌ها برای خوداشتغالی، در موارد زیر می‌باشد:

- توسعهٔ کار آفرینی

- آموزش مرتبط با حرفه یا شرکت

- اعتبارات

- یافتن بازارهای مناسب

تعاونی‌ها می‌توانند به تحقق زندگی معیشتی یاری برسانند در موارد زیر:

- استفاده نمودن از منابع برای تولید مجدد

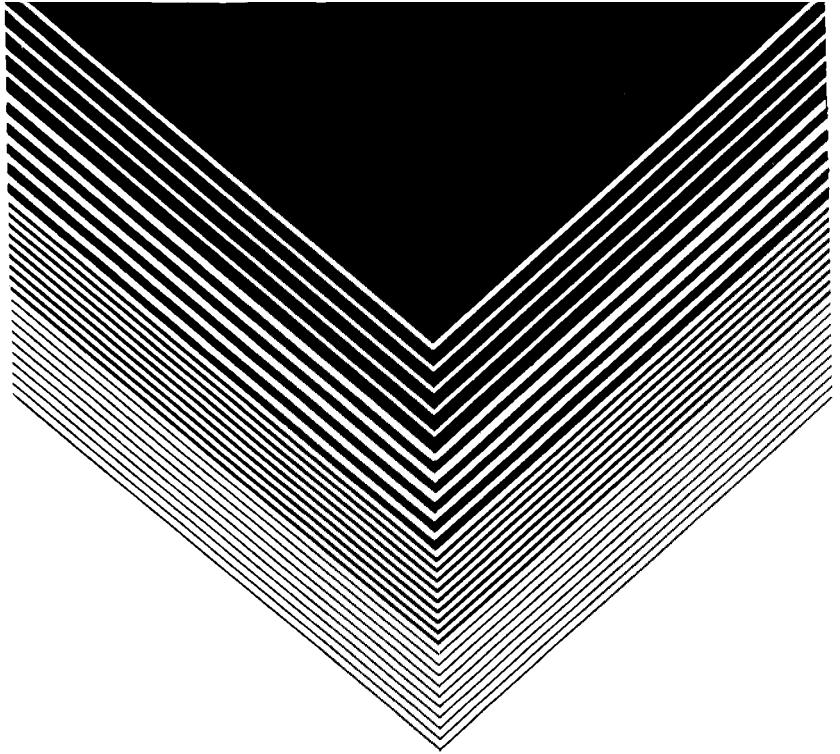
- کاهش مصرف بالای منابع

- از بین بردن پیامدهای زیست محیطی

- تأمین نیازهای اساسی بشر

پایداری محیط زیست، یکی از نگرانیهای اصلی است، چرا که ملتها به سوی صنعتی شدن و استفادهٔ بیش از حد منابع پیش می‌روند.

تعاونیها نباید فقط عرضه‌کنندهٔ محصولات مناسب باشند، بلکه باید مسؤولیت بازاریابی را نیز دارا باشند. تعاونیها ایمان دارند که قدرت بواسطهٔ آموزش بدست می‌آید. تعاونی‌ها حتی عملکردشان را به کارهایی همانند دانشگاهها یا مدارس تجاری گسترش داده‌اند.



# دو دهه پیشرفت در تعاونیهای کار اسپانیا

از: رافائل چاوس  
ترجمه: منوچهر یزدهانی

خلاصه و نکات مهم مقاله  
در اسپانیا

۱- در اسپانیا، شرکتهایی که بیش از ۵۱٪ از سهام آنها متعلق به کارگران آنها بوده و هیچیک از سهامداران بیش از ۲۵٪ سهم نداشته باشند «شرکت کار» نامیده می‌شود (اعم از تعاونی و یا خصوصی) به این ترتیب کارفرمایی و اختیار اصلی با شاغلین آنها است.

۲- تعداد کل شرکتهای کار اسپانیا (تعاونی و خصوصی)، ۱۹۶۱۰ شرکت با ۲۱۷۳۶۰ کارگر است و از این میان تعداد تعاونیهای کار (۱۹۹۵)، ۱۴۱۹۷ تعاونی با ۱۶۴۳۵۲ نفر شاغل می‌باشد.

۳- نام تعاونیهای کار قبلاً «تعاونیهای صنعتی» و یا «تعاونیهای تولید» بوده که بعدها به تعاونیهای کار مشهور شدند.

در ناحیه والنسیا

۴- ۶/۹٪ از تعداد تعاونیهای کار اسپانیادار ناحیه والنسیا تشکیل شده‌اند و حدود ۸٪ از کل اعضای شاغل تعاونیها را در بر می‌گیرند.

۵- در والنسیا حداقل تعداد عضو در تعاونیهای کار، ۴ نفر تعیین شده است.

۶- هم اکنون تعداد اعضای کارگر در تعاونیهای کار از ۴ نفر تا ۵۰۰ نفر بوده و متوسط آن ۱۲/۴۷ نفر میباشد.

۷- ۶۲٪ از تعداد تعاونیهای، ۴ تا ۱۰ نفره و ۳۰٪ نیز ۱۱ تا ۲۵ نفره هستند.

۸- با توجه به قوانین حمایت از شرکتهای کار، نیمی از مجموع شرکتهای کار والنسیا، از تغییر شکل حقوقی شرکتهای قبل از آن و همچنین از تجزیه یک شرکت حقوقی بزرگ شکل گرفته‌اند.

۹- در سال ۱۹۸۰، ۸۰٪ از تعداد تعاونیهای کار در بخش تولید (کشاورزی، صنعت، و معدن و ساختمان) فعالیت داشته‌اند در حالیکه در سال ۱۹۹۵، این سهم به ۵۲٪ کاهش یافته و بالعکس سهم بخش خدمات از ۲۰٪ به ۴۸٪ افزایش یافته است؛ بخش اعظم این مسئله ناشی از کاهش سهم در بخش صنعت بوده که از ۵۶٪ به ۳۱٪ کاهش یافته است.

۱۰- ۷۰٪ از اشتغال در بخش صنعت در صنایع کارخانه‌ای مثل نساجی و پوشاک، چرم و کفش، چوب و مبلمان است.

۱۱- موفقترین تعاونیهای کار والنسیا در بخش خدمات در زیر بخشهای زیر فعالیت دارند:

- خدمات شخصی (پرستاری در منزل، نگهداری بچه، امور اجتماعی و اشتغال جوانان و...)  
- خدمات فرهنگی و تفریحی

- خدمات لازم برای بهبود زندگی سطوح شهری

- خدمات مربوط به محیط زیست  
- خدمات به شرکتهای

۱۲- رشد تعاونیهای کار والنسیایی، عمدتاً در فعالیتهای «کاربر» بوده است.

۱۳ - زمینه‌های رشد تعاونیهای کار، بخصوص در بخش خدمات، ناشی از تحولات زیر بوده است:

- کاهش وظایف و تصدی دولت و کاهش بودجه دولت.

- افزایش بکارگیری تکنولوژی جدید در اقتصاد

- پیشرفت سریع اقتصادی

تغییر قوانین در حمایت از بازار، تغییر قیمت‌ها و سبک زندگی مردم

- کمبود درآمد دولت و توسعه نیافتگی زیربنایی اجتماعی

- رشد تقاضا برای خدمات جدید مثل خدمات فرهنگی تفریحی

۱۴- حمایت‌های دولت بطرق زیر می‌باشد:

- حمایت مالی
- هدایت تعاونیها و نظارت بر آنها
- تا اندازه‌ای خدمات طرح و تولید
- امتیازات مالی مطمئن
- پرداخت یارانه
- اولویت مطلق در قراردادهای بخش دولتی
- پرداخت یکجای غرامت بیکاری به کسانی که به شرکتهای کار بپیوندند.
- تشویق اشتغال عضو و یا عضویت شاغلین
- ۱۵- تشکیل و تقویت اتحادیه‌های مستقل از دیگر دلایل رونق تعاونیهای کار بوده است.

#### مقدمه

در کشورهای اروپایی حوزه مدیریتانه بخصوص ایتالیا، اسپانیا، و فرانسه که دارای تاریخ طولانی هستند، تعاونیهای کار، بیشترین رواج را دارند اسپانیا امروزه بدون تردید بعد از ایتالیا در میان کشورهای اروپایی از نظر تعداد شرکتهای و کارگران بیشترین میزان را در اینگونه تعاونیها داراست؛ علاوه بر این، مشابه تعاونیهای کار، شرکتهای خصوصی خویش فرما (که کارگر مالک و صاحب کار نیز میباشد) نیز وجود دارند و مورد توجه سیاستمداران و دانشگامیان هم هستند و بعنوان «شرکتهای کار» نامگذاری شده‌اند. در این شرکتهای کار بیش از ۵۱٪ از سهام متعلق به کارگران است و هیچیک از سهامداران نیز بیش از ۲۵٪ از کل سهام را ندارد. مجموع تعداد شرکتهای کار در اسپانیا (تعاونیهای کار و شرکتهای خصوصی کار) ۱۹۶۱۰ شرکت است که ۲۱۷۳۶۰ نفر کارگر در آنها کار می‌کنند.

اخیراً نشریه سیریک اسپانیا (Ciriec-Espana) در تشریح مساعی با اتحادیه‌های تعاونیهای

والنسیایی<sup>(۱)</sup> و دولت ناحیه‌ای والنسیا، یک پروژه تحقیقاتی بزرگ را به اجرا در آورده و به تجزیه و به تحلیل اقتصادی اجتماعی این ناحیه، بخصوص شرکتهای کار و تعاونیهای کشاورزی پرداخته است. این مقاله<sup>(۲)</sup> بر روی برخی نتایج بدست آمده در سطح تعاونیهای کار متمرکز شده و به آن پرداخته است.

در این مقاله ابتدا یک سابقه تاریخی کوتاه ارائه شده است سپس، سه جنبه این تعاونیها تجزیه و تحلیل شده است:

- ۱- روند تغییر تعداد اعضای آنها ۲-
- سهم آنها در ایجاد کار و شغل ۳- روند تغییرات فعالیتهای بخشی آنها. در پایان نیز با تصویری که توضیح دهنده علل و عوامل این تغییر است، این نوشته خاتمه می‌پذیرد.

#### یک نهضت تعاونی با یک تاریخ طولانی

اولین تجربه‌های تعاونیهای کار در اسپانیا، که سابقاً به «تعاونیهای صنعتی» و یا «تعاونیهای تولید» مشهور بوده‌اند از اواسط قرن گذشته آغاز شده



علیرغم تاریخ طولانی آنها، بالاترین مراتب رشد آنها مصادف با دوران دموکراسی و دوران بحرانی بوده است.

دوران دموکراسی مانند دوره جمهوری دوم (1931-1939) و دوره اخیر بعد از قانون اساسی ۱۹۸۷، وقتیکه قوانین مطلوب شرکتهای تعاونی وضع شدند - و دوران بحرانی مانند زمان جنگ سیویل اسپانیا (۳۹ - ۱۹۳۶) و دوره بحران اقتصادی ۷۰ سال قبل و یا نزدیک ۸۰ سال قبل. در مقابل، در دوران محدودی دوره زمامداری و دیکتاتوری مطلق (مثل دوره رژیم فرانکو در ۱۹۳۹-۱۹۷۵) از تجلی و آثار وجودی تعاونیها کاسته شد و به کمترین میزان خود رسید.

از نیمه ۷۰ به اینطرف تعاونیهای کار در اسپانیا، از رشد بالایی برخوردار شدند به گونه‌ای که طی سالهای ۷۹-۱۹۷۵ بطور متوسط سالانه ۴۱۱ تعاونی کار در اسپانیا ایجاد گردید. همچنین طی سالیهای ۸۴ - ۱۹۸۰ این تعداد تقریباً چهار برابر شده و به طور متوسط سالانه به ۱۵۰۳ تعاونی رسید طبق برآورد وزارت کار، در سال ۱۹۸۳ (موزون ۱۹۸۹)، تعداد ۶۶۵۱ تعاونی کار با ۱۳۰۳۱۵ عضو فعالیت داشته‌اند. دسته‌ای از تعاونیهای کار که ظرف دوره مذکور ایجاد شده‌اند حضور بیشتری در بخشهای صنعت و ساختمان و کارگاههای اقتصادی متوسط (۱۰ تا ۲۵ کارگر) داشته‌اند که متاثر از بحران شدید کارگری صنعتی آنروز اقتصاد اسپانیا بود. ۳۰ تا ۴۰ درصد از تعاونیهای کار، بین سالهای ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴ در حرف صنعتی، فعال بودند که از این میان ۲۰٪ آنها در بخش صنعت ساختمان فعالیت داشته‌اند.

ظرف نیمه دوم دهه ۸۰، اقتصاد اسپانیا، شاهد یک دوره در حال توسعه همراه با کاهش سطح عمومی بیکاری بود مضافاً اینکه فعالیت «شرکتهای خصوصی کار» در سال ۱۹۸۶ شروع و رواج یافت. این



شروع جدید یک شکل نواز شرکت خصوصی (خویش فرمایی) بود که در سالهای بعد متداول شد حال آنکه «تعاونیهای کار» در این دوره رشد کردی داشته اند.

دهه ۹۰ یک دوره رشد جدید برای نهضت تعاونی اسپانیا است. در سال ۱۹۹۵ تعداد تعاونیهای کار، قریب به ۱۴۱۹۷ تعاونی بود که ۱۶۴۳۵۲ نفر در آنها شاغل بودند. توسعه این تعاونیهای جدید در زمانی رخ میداد که اقتصاد اسپانیا ابتدا با یک دوره رکورد اقتصادی همراه با رشد و عدم امنیت شغلی مواجه بود.

از لحاظ جغرافیایی، قریب ۲/۳ از نهضت تعاونیهای کار اسپانیایی از نظر تعداد شرکت و تعداد کارگران عضو، در چهار ناحیه (والنسیا، اندلس، کاتالونی و باسک) متمرکزند. ناحیه باسک محلی است که گروه تعاونی معروف «شرکت تعاونی موندراگون» در آن از جایگاه ویژه برخوردار است.

بنابراطلاعات جمع آوری شده بوسیله مونزون و مورالز (۱۹۹۶) ناحیه والنسیا منطقه ای است که نهضت تعاونی، بیشترین رشد را در آن طی سالهای ۹۰ به بعد (دهه ۹۰) داشته است. این مقاله به بررسی این دسته از تعاونیهای والنسیا پرداخته است. روند تغییرات تعداد اعضاء در تعاونیهای کار

طی دهه گذشته تعاونیها نشان داده اند که به تمایل به سمت کاهش «متوسط تعداد عضو» داشته اند بطوریکه تعاونیهای جدیدالتاسیس تر با تعداد اعضای کمتری تشکیل شده اند.

متوسط تعداد اعضاء در این تعاونیها از ۸/۵ عضو در سال ۱۹۹۰ به ۵/۵ عضو در ۱۹۹۵ و ۴/۶ عضو در ۱۹۹۶ رسیده است. این تغییر ناشی از عوامل مالی و حقوقی (قانون) معین و سازگار با آنها بوده است؛ بویژه:

۱) از سال ۱۹۹۲ مقرر شد که کارگران فقط با تاسیس شرکتی خویش فرمایی (تعاونیهای کار و شرکتیهای خصوصی کار) میتوانند وجه حقوق (گرامت) بیکاری را به صورت طی چکی (یکجا) دریافت و تبدیل به سرمایه کنند.

۲) از سال ۱۹۹۰ یک نظام مالیاتی برای شرکتیهای تعاونی اعمال شد.

۳) از سال ۱۹۹۵ تعاونیها والنسیا اجازه یافتند که فقط با ۴ عضو تشکیل شوند.

تعداد ۹۸۲ شرکت تعاونی فعال از لحاظ اقتصادی در ناحیه والنسیا وجود دارد که بیشتر آنها شرکتیهای نوپا هستند (۱۹۹۵). ۵۳/۴٪ از آنها ظرف ۵ ساله ۹۵ - ۱۹۹۱ و ۷۷/۳٪ از آنها طی دهساله ۹۵ - ۱۹۸۵ تاسیس شده اند.

قدیمی ترین تعاونیهای کار، در سالهای قبل از ۱۹۸۰ پی ریزی شده اند که ۶/۴٪ از مجموع تعاونیها را شامل میشوند البته دو شرکت تعاونی سابقه دارتر، در سال ۱۹۳۱ ایجاد شده اند. شرکتیهای تعاونی کار سابق دار، تا سال ۱۹۸۵ ایجاد شدند؛ اکنون این تعاونیها، ۲۲/۷ درصد از کل تعاونی و ۳۶/۶٪ از مجموع مشاغل شرکتیهای تعاونی را تشکیل می دهد این نکته چنین معنی می دهد که تعاونیهای کار سابقه دارتر از نظر تعداد شغل، «بزرگتر» از تعاونیهای نو پا و جوان هستند.

نهایتاً اینکه تعاونیهای کار والنسیایی، به استثنای برخی موارد، شرکتیهای کوچک

و متوسطی هستند با کمتر از ۲۵۰ کارگر. متوسط تعداد کارگران در هر شرکت ۱۳/۴۷ نفر می باشد که نشان می دهد این شرکتها بزرگتر از واحدهای اقتصادی بسیار کوچک (۱ تا ۱۰ کارگر) هستند. تعاریف کار والنسیا همچنین ۶۲/۱٪ از مجموع شرکتیهای کار (مجموع شرکتیهای تعاونی و خصوصی کار) هستند.

نیمی از مجموع شرکتیهای تعاونی موجود در سال ۱۹۹۵ که از ابتدا تا سال ۱۹۹۵ تاسیس شده اند تازه تاسیس بودند؛ و ۲۵/۳٪ از آنها از یک شرکت خصوصی بحران زده سرچشمه گرفتند و ۲۳/۸٪ نیز از تغییر شکل حقوقی شرکتیهای قبل از آنها تشکیل شدند.

### شرکتیهای تعاونی کار: خالق مشاغل بیشتر و بهتر

ظرف دوره ۱۹۹۵ - ۱۹۹۰ در اقتصاد والنسیا ۱۸۶۰۰ شغل از میان رفته است. طی این دوره، نسبت مشاغل بی ثبات (فاقد امنیت شغلی) به مجموع مشاغل، از ۳۲٪ به ۲۴٪ افزایش یافت و ۹۰٪ از قراردادهای جدید، کوتاه مدت و موقت بود که امنیت ثبات شغلی را فراهم نمی کرد.

در همان دوره، سطح اشتغال شرکتیهای کار (تعاونیهای کار و شرکتیهای خصوصی کار) تا ۵۰۰۰ شغل افزایش یافت و مشاغل جدیدتر، ثبات و دوام بیشتری یافتند. (مثل اعضای این شرکتها) اشتغال ویژه ای ایجاد

جدول ۱: طبقه بندی تعاونیهای کار از نظر تعداد اعضاء کارگر (۱۹۹۵)

تعداد کارگر	تعداد تعاونی کار	درصد تعداد	تعداد شغل	درصد اشتغال
۱ تا ۵ نفر	۲۸۱	۲۸/۶	۱۲۷۹	۹/۷
۶ تا ۱۰ نفر	۳۲۹	۲۲/۵	۲۳۳۰	۱۸/۵
۱۱ تا ۲۵ نفر	۲۹۵	۲۰	۴۸۰۷	۳۶/۳
۲۶ تا ۵۰ نفر	۵۸	۵/۹	۲۲۹۳	۱۷/۳
۵۱ تا ۱۰۰ نفر	۲۰	۲	۲۴۰۹	۱۸/۲
جمع	۹۸۲	۱۰۰	۱۳۲۲۹	۱۰۰

شده توسط شرکتهای تعاونی عمدتاً در فعالیتهای خدمات اجتماعی و آموزش و پرورش، بازرگانی، هتلداری، رستوران داری، تعمیرات، خدمات پیشرفته (خدمات به شرکتهای) و صنایع کارخانه‌ای بوده است

### از لوازم چوبی تا خدمات اجتماعی (روند فعالیت تعاونیهای کار والنسیا در بخش خدمات)

بیشتر شرکتهای تعاونی کار والنسیا، معمولاً در بخش خدمات فعالیت می‌کنند؛ بخشی که ۲۸۱ شرکت تعاونی کار با ۷۳۱۴ شغل در آن فعالند. این وضعیت با اوایل نیمه دهه ۸۰ تفاوت دارد.

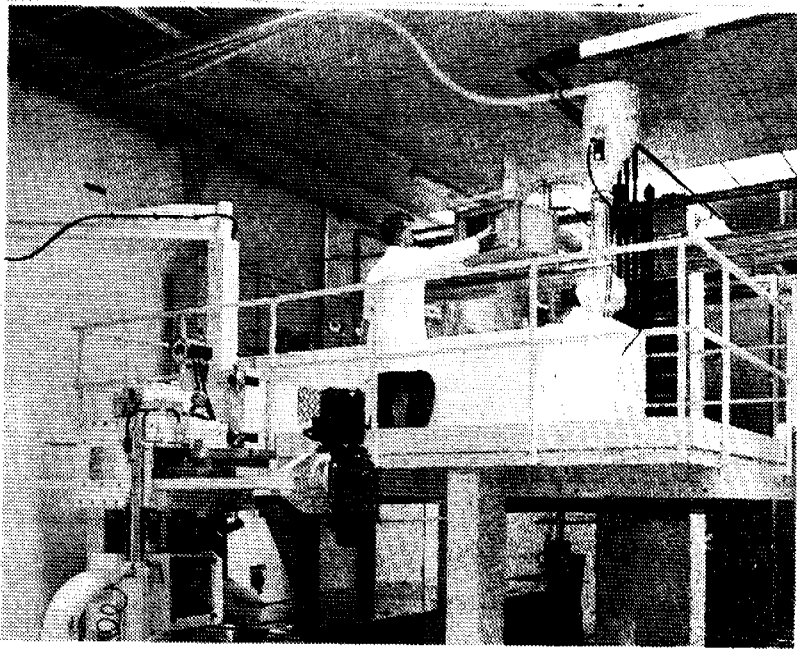
نتایج دو طرح مطالعاتی (مونزون ۱۹۸۹؛ البرز و پالاسیان ۱۹۸۹) نشان داد که بیشتر خدمات، در دهه قبل (دهه ۸۰) تاسیس شده‌اند؛ اگر چه قبل از آن زمان نیز، حرف خدماتی، حضور داشته‌اند.

جدول ۲: تغییرات بخشهای فعالیت در تعاونیهای کار والنسیا

بخش	۱۹۸۰	۱۹۸۸	۱۹۹۵
کشاورزی	۰٪	۳٪	۴٪
ساختمان	۲۳٪	۱۸٪	۱۷٪
صنعت	۵۴٪	۳۳٪	۳۱٪
خدمات	۲۰٪	۳۶٪	۴۸٪
جمع	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪

این روند فعالیت در بخش خدمات، به زیان بخش صنعت بوده و موجب کاهش روزافزون جایگاه اولیه فعالیت تعاونیها در آن بخش شده است.

سهم بخش خدمات، همگام با تغییر شکل درونی این بخش، از پایان دهه ۸۰ و مخصوصاً ظرف دهه ۹۰ به بعد (تا کنون) رشد قابل توجهی کرده است. از اولین حرکتها، بسیاری از رشته‌های فعالیت زیربخش خدمات فعال شدند. را در میان تعاونیهای کار والنسیایی، آسان کرده است.



نمونه واقعی بنگاههای اقتصادی کوچک کاربر و متکی به تکنولوژی نوین هستند. در بخش صنعت ۲۸۶۲ نفر در حال کارند. صنایع کارخانه‌ای از قبیل صنایع بافندگی و پوشاک، صنایع چوب و مبلمان بزرگترین واحدهای صنعتی (کارفرما) هستند. صنایع دیگری که در ایجاد اشتغال نسبت به صنایع مذکور نسبتاً از اهمیت برخوردارند عبارتند از صنایع فلز ابزار ۲/۸٪ و سایر صنایع ۵/۷٪. در میان سایر صنایع، دو صنعت هنرهای ترسیمی و شیشه آلات، سابقه طولانی در بخش تعاونی دارند تعدادی از بزرگترین تعاونیهای کار والنسیا، در صنعت هنرهای ترسیمی فعالیت می‌کنند.

اطلاعات والنسیا نشان می‌دهد که تعاونیهای کار، بیشتر در حرفه‌هایی حضور رو به تزاید دارند که عمدتاً متکی به دارایی ذاتی و توان خودکارگران است (فعالیتهای کاربر) مانند مهارتها، دانش و آگاهی و نیروی کاریدی؛ و بالعکس در حرفه‌هایی که متکی بر سرمایه گذاری اولیه، تکنولوژی و طرح و تدارکات وسیع

در برخی رشته‌های بخش خدمات، تعاونیها، موفق ظاهر شده‌اند؛ از قبیل خدمات شخصی (خدمات پرستاری در منزل، پرستاری بچه، امور اجتماعی و مسدکاری و اشتغال جوانان) خدمات فرهنگی تفریحی، خدمات لازم برای بهبود زندگی سطوح شهری، خدمات مربوط به محیط زیست و خدمات به شرکتهای

این است وضع برخی شرکتهای تعاونی خدمات اجتماعی و مددکاری که در دهه جاری از رشد بالایی برخوردار شده‌اند. آنها بیش از ۱۰٪ از میزان اشتغال و ۳/۵٪ از تعداد تعاونیهای والنسیایی را تشکیل می‌دهند دو نمونه از این تعاونیها هم اکنون هر کدام حدود ۵۰۰ کارگر دارند.

در بازرگانی، هتلداری، رستوران داری و حرف تعمیراتی، تعاونیهای کار در حال رشدند. ویژگی این فعالیتها آنست که نیاز شخصی ساکنین محل یا نزدیک موقعیت فروشگاه - با یک محدوده معین - را بنا به تقاضای آنها تامین می‌کنند موجودیت هر یک از اینها مستلزم وجود یک سازمان کوچک است. سخن آخر اینکه این حرف، دست کم،

فرصتها را برای تعاونیهای کار، بیشتر مهیا می‌کند.

در حوزه اقتصاد دولتی اسپانیا دلایل زیر موجب شده است که دولت، عمدتاً از طریق دولتهای ناحیه‌ای و محلی به وضع و شرایط تعاونیهای کار بهبود بخشد. دلایلی از قبیل:

- کمبود درآمد دولت و عقب ماندگی (توسعه نیافتگی) زیر ساخت اجتماعی (خدمات اجتماعی پرستاری در منزل و غیره)

- رشد تقاضا برای خدمات جدید مثل خدمات تفریحی، فرهنگی

- انتشار اوراق قرضه دولتی

- فشار اجتماعی

تمایل در عرضه این خدمات بوسیله بخش دولتی، کاهش هزینه و اصلاح بودجه دولت (ضد بوروکراسی) همراه با گرفتاری و فشار مالی جامعه، شکلی منظم به تعاونیهای کار داده است.

حمایت بخش دولتی شامل موارد زیر است:

- امور مالی

- انجام وظایف و خدمات نظارت و

اصلاح امور (هدایت) تعاونیها

- تا اندازه‌ای خدمات طراحی و تولید

البته برای انجام دو وظیفه اخیر، بخش دولتی بطور یکجا و یا جزء به جزء با سازمانهای خصوصی قرارداد منعقد می‌کند. این خدمات، میدانهای جدیدی برای رشد تعاونیهای کار و شرکتهای تعاونی چند منظوره فراهم کرده است. (مثل تعاونیهای اجتماعی اسپانیا) (ساجاردو ۱۹۹۸؛ برزاگاو سانتوری ۱۹۷۷)

بحران اقتصادی و سطح بیکاری بالا و مستمر در اسپانیا، توأم و یا همراه با عوامل دیگر، علت اصلی پیدایش این نوع از تعاونیهاست.

انگیزه‌های اعتقادی، - مثل آرزو داشتن گروهی از مردم برای در اختیار گذاشتن یک

رشته فعالیت	تعداد تعاونی	درصد تعداد تعاونی	میزان اشتغال	درصد اشتغال
کشاورزی	۳۶	۲/۷	۲۵۱	۱/۹
ساختمان	۱۶۴	۱۶/۷	۱۸۰۰	۱۲/۶
صنایع کارخانه‌ای (۱)	۱۶۴	۱۶/۷	۲۷۲۸	۲۰/۷
فلزبازار	۶۰	۶/۱	۳۷۰	۲/۸
صنایع دیگر (۲)	۷۷	۷/۸	۷۲۵	۵/۷
تجارت، خدمات فنی، تعمیرات	۱۲۵	۱۲/۲	۱۶۰۰	۱۲/۱
هتلداری و رستوران داری	۵۶	۲/۲	۵۰۳	۲/۸
خدمات به شرکتها	۶۹	۶/۱	۸۲۰	۶/۲
آموزش و پرورش	۷۶	۷/۸	۱۲۶۲	۱۰/۳
سایر حرفه خدماتی (۳)	۱۲۵	۱۲/۶	۲۰۲۹	۲۲/۹
جمع	۹۸۲	۱۰۰	۱۳۲۲۷	۱۰۰

نذکرات:

۲ - شامل شیشه آلات، هنرهای تریبی

اسباب بازی و سایر صنایع

۳ - شامل خدمات اجتماعی و مددکاری، حمل و نقل و سایر خدمات

۱ - شامل نساجی و پوئاک، چرم و کفش؛ و چوب

و لوازم چوبی

بزرگ می‌باشد تعاونیهای کار حضور کمتری دارند.

## تعاونیهای کار اسپانیا

برخی تحولات اساسی و بنیادی بر روی تشکلهای و ساختارهای اقتصادی، قلمروهای جغرافیایی، و جامعه، تأثیر مستقیم داشته است؛ تغییر و تحولاتی از قبیل: محدود ساختن وظایف بخش دولتی (کاهش تصدی گسری دولت)، افزایش بکارگیری تکنولوژیهای جدید، پیشرفت یکباره اقتصادی، تغییر قوانین و مقررات در حمایت از بازار، تغییر قیمتتها و سبک زندگی مردم (اعمال سیاستهای تعدیل).

واحدهای اقتصادی در پی اصلاحات اقتصادی عظیم کشور و به منظور افزایش کارایی و کاهش آسیب پذیری خود، در جهت تطبیق دادن خودشان با اوضاع جدید، اقداماتی مثل انجام تغییرات فنی و درون سازمانی و برقراری جریان محدود ساختن اشتغال (مشاغل) انجام داده‌اند.

یکی از این امور، کاهش شدید در برخی از وظایف معین بیرونی شرکت است مانند: ۱ - خدمات متفرقه که گاهی توسط

شرکت انجام میشود (مشاوره، همکاری فنی و سایر مشاوره‌های خاص)

۲ - خدماتی که کمتر به فعالیت اصلی شرکت مربوط میشوند. (نظافت، فروشگاه سیار و غیره)

۳ - فعالیتهای سود آور با تقاضای بسیار نامنظم و خلاف قاعده (مثلاً در حرفه‌های ساختمانی و حمل و نقل)

۴ - آن قسمت از فعالیت اصلی واحد اقتصادی که بیشترین بی‌ثباتی را دارد.

لزوم انعطاف پذیری شرکتها، پرداخت هزینه‌های بالاتری را تحمیل و اضافه کرده است. تقاضای بی‌ثبات و نامطمئن، به واحدهای اقتصادی دیگر و به عنصر «کار» اندکی صورت ظاهر داده است. در سایه اقتصاد غیرقانونی و قواعد اقتصادی جدید در دهه ۸۰ که انواع و اقسام متعدد از قراردادهای کار، معمول شده عنصر «کار» جایگاه ویژه‌ای یافته است.

در این بین؛ دو نتیجه میتواند حاصل شود: اول - افزایش سطح بخش خدمات از نقطه نظر خدمات به شرکتها، دوم - رشد حرف کوچک نسبت به حرف بزرگ و متوسط؛ این زمینه و شرایط پیش آمده،

پروژه صنعتی دولتی - نسبت به انگیزه‌های شغلی و اقتصادی در اقلیت قرار دارند. تأسیس و دایرکردن تعاونیهای کار، بطرز خاصی و جزء به جزء به قانون و مقررات کار، قانون و مقررات تعاونی و به شیوه‌های حمایتی تعاونیها (اسپیرو توماس ۱۹۹۷) بستگی دارد.

در نتیجه، چنانچه به وضع اسپانیا نگاه کنید ملاحظه می‌کنید که نواحی مختلف با سطوح تعرفه‌های حمایت اجتماعی پایین (مخصوصاً غرامت بیکاری) که در آنها مقررات مساعدی برای شرکتیهای تعاونی وجود دارد از سطح بالایی در تشکیل تعاونی کار برخوردارند. قاعده عمومی اخیر، به شکلها و شیوه‌های مختلف میتواند اعمال شود. برخی خط‌مشی‌های اجرایی بکار برده شده عبارتند از:

- امتیازات مالی مطمئن  
- پرداخت یارانه  
- اولویت مطلق در قراردادهای بخش دولتی برای عرضه کالا و خدمات  
- شیوه اشتغال عضو  
که موجب افزایش سودآوری و قدرت رقابت این شرکتها در مقابله با دیگران شده است.

یک نکته مهم، پرداخت یکجای سرمایه حاصل از مزایای بیکاری بشرط پیوستن به یک شرکت کار است. ساختارها و تشکلهای حمایت کننده از شرکت تعاونی که بوسیله شرکتیهای تعاونی ایجاد میشوند(همانند اتحادیه FVECTA و شرکت تعاونی اعتبار عام کایگزا(Caixa Popular) و دایر کردن گروههای شرکت تعاونی همانند GEOE و REDEES) موجب بهبودی و رشد نهضت تعاونی کار در ناحیه والنسیا شده‌اند.

۱ - دکتر چاوس، استادیار بخش اقتصادی کاربردی در دانشگاه والنسیاست.

او همچنین عضو هیات تحریریه سیرک اسپانیا

(Ciries - Spana) و نشریات Socialy Cooperative

(تعاون اجتماعی) و Noticias de la economía publica (اطلاعات عمومی اقتصادی) که در اسپانیا منتشر میشوند، می‌باشد.

۲- ناحیه والنسیا در شرق اسپانیا قرار دارد و تقریباً به میزان ۱۰٪ در امور اقتصادی اجتماعی این کشور سهم دارد (۱۰٪ از شاخص‌های اقتصادی اجتماعی)؛ اگر چه به

داشتن ظرفیت صادراتی، صنایع کارخانه‌ای، توریسم و محصولات کشاورزی (مرکبات، میوه و سبزیجات دیگر) مشهور است.

۳- این مقاله، بوسیله طرح تحفین موسوم به anda که بوسیله اتحادیه اروپایی در چارچوب ابتکار موسوم به ADAPT و به وسیله دولت ناحیه‌ای والنسیا تأمین مالی شده - حمایت و پشتیبانی شده است.

## بقیه از صفحه ۲۳

شرکتیهای اکتشاف است که بخش تعاون می‌تواند در این زمینه فعال شود.

وی با تأکید بر سیاست دولت در واگذاری موسسه‌های دولتی، آمادگی وزارت معادن و فلزات را برای واگذاری معادن به بخش تعاون اعلام کرد. همچنین اتحادیه‌های تعاونی تولیدی و خدمات تولیدکنندگان از وزارت تعاون خواسته است تا به تشکیل یک گروه از متخصصان تعاونیها برای بازنگری قانون تعاون و هماهنگ کردن آن با نیازهای روز و انطباق با قوانین سایر نهادهای دولتی اقدام کنند. اعضای این اتحادیه‌ها از دولت درخواست کرده‌اند در واگذاری مؤسسات دولتی، اولویت لازم به بخش تعاون داده شود. ضمن آنکه وزیر تعاون در همین راستا از سازمان حمل و نقل و پایانه‌های کشور می‌خواهد تا کار پایانه‌ها را به تعاونیهای حمل و نقل بسپارد.

گفتنی است: در موارد ۱۷ و ۱۸ قانون تعاون زمینه‌های مشارکت بخش تعاون و دولت اعلام شده است.

به گفته وزیر تعاون، در این راستا وزارت راه و ترابری می‌تواند بودجه تخصصی برای تأسیس پایانه‌ها را به صورت وام در اختیار شرکتیهای تعاونی

فراگیری در بخش تعاون به عکس بخش خصوصی است. زیرا در بخش خصوصی نیروی کم و بازده بالا مطرح می‌شود ولی در این بخش تقسیم مساوی و فراگیری اشتغال برای همگان و بازده بالا و همچنین توزیع اشتغال مطرح است.

وزیر تعاون در این زمینه معتقد است: مشارکت دادن مردم به این معنی نیست که واحدهای بزرگ به یک نفر یا یک خانواده واگذار شود. به عقیده وی، در واگذاری کارخانه‌ها، ممکن است تعاونیها قدرت رقابت با بخش خصوصی را نداشته باشند و احتمال دارد بخش خصوصی در یک مرحله پول بیشتری را به دولت بدهد ولی این یک ارزش نیست. همه ساله نیز در هفته تعاون از نقش این بخش بسیار گفته میشود ولی برنامه‌هایی که امسال مطرح شده بسیار فراتر از یک برنامه نظری و تئوری بود.

در هفته تعاون یکی از نکات مطرح شده، فعالیت تعاون در بخش معدن است. مهندس «اسلامی» معاون برنامه ریزی و توسعه وزارت معادن و فلزات معتقد است: یکی از راههای گسترش فعالیت بخش معدن ایجاد



قرار دهد. برای کمک به اجرای طرح ساماندهی اقتصادی دولت وزارت تعاون می‌تواند فعالیت برخی از شرکتهای وابسته به دستگاههای دولتی را تحت پوشش قرار دهد.

رویکرد دانش آموختگان دانشگاهها و افرادی که تجربه مفید کاری دارند و انتقال آنها به بخش تعاونیها می‌تواند زمینه اشتغال عده زیادی را در جامعه فراهم کند.

### نیاز ساماندهی اقتصادی و عملکرد تعاون

در حال حاضر بیش از ۴۸ هزار شرکت تعاونی با ۱۵ میلیون و ۱۲۲ هزار و ۱۶۶ نفر عضو تحت پوشش وزارتخانه‌های تعاون، کشاورزی و جهاد سازندگی در سراسر کشور فعالیت دارند.

همچنین از مجموع شرکت‌های تعاونی فعال در کشور، بیش از ۴۳ هزار تعاونی با حدود جمعیت دو سوم اعضای تعاونی‌ها تحت پوشش این وزارتخانه‌ها هستند.

از مجموع تعاونیهای تحت پوشش وزارت تعاون ۶۳۹۲ شرکت در بخش کشاورزی، ۱۶۷۷ شرکت در بخش عمرانی، ۴۸۸۲ شرکت در بخش صنعتی، ۱۳۹۵ شرکت در بخش معدنی، ۸۰۰ شرکت در بخش فرش دستباف، ۲۳۵۶ شرکت در بخش تأمین نیاز تولیدکنندگان، ۲۵۹۴ شرکت در بخش خدمات، ۸۹۰ شرکت در بخش حمل و نقل، ۸۱۹۹ شرکت در بخش مسکن، ۸۷۹ شرکت در بخش اعتبار، ۱۲۶۲۲ شرکت در بخش تأمین نیازهای مصرف کنندگان و ۶۵۴ شرکت در بخش تعاونیهای چندمنظوره مشغول فعالیت هستند.

همچنین ۲۷۴ اتحادیه تا پایان بهار امسال در سراسر کشور با ۹۵۷۵ عضو ثبت شده‌اند.

تنها نگاهی گذرا به آمار عملکرد تعاون در خصوص ایجاد اشتغال و تولید و همچنین تجربه مثبت در توزیع صحیح و عادلانه، نقش کلیدی تعاون و جایگاهش را در طرح ساماندهی اقتصادی کشور به وضوح در می‌یابیم.

### بقیه از صفحه ۱۸

این امر نباید دائمی باشد. به تدریج تعاونیها هم باید بدهی را تسویه کنند و هم باید کارشان به جایی برسد که به منابع دولتی متکی نباشند.

وزیر تعاون افزود: ضرورت دارد که یک کمیته سه جانبه متشکل از وزارت تعاون، وزارت راه و ترابری و اتحادیه‌ها حسب مورد، در یک بستر زمانی مناسب جزئیات و جوانب کار را بررسی کند تا بخش دولتی متصدی امور اصلی سیاستگذاری، برنامه ریزی و نظارت باشد و امور اجرایی به مردم واگذار شود.

در همایش تعاون در حمل و نقل، رئیس کمیسیون راه و ترابری مجلس شورای اسلامی، رئیس کل گمرک ایران، معاونان وزارتخانه‌های تعاون و راه ترابری و یکی از مدیران سازمان حمل و نقل و پایانه‌های کشور نیز سخنانی ایراد کردند.

برگزار کنندگان این همایش پس از قرائت قطعنامه خود به "عزتی آزاد" مدیر کل دفتر امور تعاونیهای حمل و نقل و خدمات وزارت تعاون "کرباسیان" رئیس کل گمرک ایران و یکی از رانندگان آزاد شده از زندان "طالبان"، لوح تقدیر اهدا کردند.

### بقیه از صفحه ۳۳

توسعه پایدار در کشاورزی و توسعه روستائی بشرح زیر قابل تعریف است:

«شیوه‌ای از نحوه مدیریت و حفاظت منابع طبیعی پایه می‌باشد که در آن جهت‌گیری فنی و تغییر ساختار مستمرأ بتواند نیازمندیهای نسل حاضر و آتی جامعه انسانی را فراهم آورد»

چنین تعریفی از توسعه پایدار (در بخشهای کشاورزی، جنگلداری، ماهیگیری) به مفهوم حفظ زمین، آب، گیاه، و منابع ژنتیک حیوانی بوده که در آن محیط زیست تخریب نگردد، تکنولوژی مناسب بکار برده شود و فعالیت‌های بادوام و قابل قبول اقتصادی و اجتماعی صورت گیرد.

با توجه به تعریف فوق الذکر می‌توان اهداف توسعه پایدار و ارتباط آن را با کشاورزی و توسعه روستائی بشرح زیر برشمرد.

الف - توجه توسعه پایدار به تأمین نیازمندیهای غذایی نسل حاضر و آتی است.

ب - توجه توسعه پایدار به تأمین اشتغال دائم، درآمد کافی و شرایط زندگی مناسب و شایسته برای روستائیان است.

ج - توسعه پایدار می‌باید بخش کشاورزی را از آسیب پذیری در مقابل عوامل معکوس طبیعی و نیز عوامل اجتماعی - اقتصادی و سایر عواملی که منجر به آسیب رسانی به این بخش میشود را کاهش داده و روحیه خودکفائی را تقویت نماید.

بمنظور دستیابی به توسعه پایدار، بررسی چندین عامل بویژه پنج عامل که عبارتند از:

سیاست گذاری‌ها، فقر، جمعیت، تکنولوژی و تجارت را که تأثیرات عمیقی

در تحقق توسعه پایدار دارند لازم و ضروری است.

بررسی پنج عامل فوق و اتخاذ راهکارهای مناسب برای هر یک ما را به تحقق توسعه پایدار نزدیک خواهد نمود.

بازنگری در زمینه یارانه‌ها، مالیات، قیمت گذاری و اگر چنانچه این زمینه‌ها تاکنون به ضرر توسعه عمل نموده‌اند باید بنحوی سیاست گذاری شوند که جهت‌گیری‌ها را در رابطه با توسعه پایدار تحقق دهد مثلاً ارائه یارانه به تولید کننده می‌تواند در این مورد سیاست گذاری شود. در زمینه فقر نیز باید بدانیم که فقر و تخریب محیط زیست رابطه نزدیکی با هم دارند، اگر درصدد حفظ منابع تولید و محیط زیست هستیم باید فقر را کاهش دهیم حذف نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی سهم بزرگی در دستیابی به توسعه پایدار دارد. موضوع جمعیت نیز عامل مهمی در راه توسعه پایدار است، افزایش بی‌رویه جمعیت مانع بزرگی برای دسترسی به توسعه پایدار است، خوشبختانه چند سالی است که این موضوع در کشور ما مورد بررسی قرار گرفته و امید است پیگیریهای لازم بعمل آید. آثار مخرب افزایش بی‌رویه جمعیت علاوه بر مشکلات در جهت تأمین سایر نیازمندیها بخصوص مواد غذایی امروزه در زمینه بیکاری قشر وسیعی از جمعیت مشهود است. در زمینه تکنولوژی، بررسی تکنولوژی مناسب و حذف تکنولوژی نامناسب از جمله عامل مهمی در رابطه با توسعه پایدار محسوب میشود، چرا که تکنولوژی هم دارای اثر مثبت و هم آثار منفی میباشد و مرزبندی این دو کمک بزرگی به برنامه توسعه خواهد بود.

عامل تجارت و بازرگانی در رابطه با توسعه علی‌رغم اینکه از اهمیت بسزائی برخوردار است اما از پیشینه خوبی برخوردار نیست، عده‌ای فکر می‌کنند با آزادسازی تجارت و از طریق استفاده از

اهرم و مکانیسم قیمت می‌توان به توسعه دست یافت و عده‌ای دیگر نیز دخالت‌های بیشتر دولت را در امور و تأمین منابع الزامی می‌دانند.

### نتیجه‌گیری:

۱ - تأمین غذا بستگی به عوامل زیاد و گوناگونی و بویژه در توزیع عادلانه آن دارد.

۲ - جهان امروز ما علی‌رغم اینکه پیشرفتهای چشمگیری نسبت به دهه‌های قبل نموده است اما هنوز هم دارای محرومیت‌های زیادی می‌باشد.

۳ - دو حوزه شمالی و جنوبی، توسعه نیافته و در حال توسعه، بشدت نسبت به یکدیگر فاصله گرفته‌اند.

۴ - عدم توانائی کشورهای سوم برای تولید غذا علاوه بر ضعف‌های درونی، منوط به سیاست‌های مخرب کشورهای پیشرفته نیز می‌باشد. حذف سیاست‌های مخرب آنان موجب ارتقاء تولید غذا در کشورهای جهان سوم خواهد شد.

۵ - سیاست‌های کشورهای پیشرفته در زمینه «تولید اضافی» مواد غذایی منجر به این شد است که بسیاری از کشورهای در حال توسعه نمی‌توانند اقتصاد خود را سروسامان داده و ناخودآگاه بدام‌های آنان گرفتار آمده‌اند.

۶ - فقر، گرسنگی، بیکاری، افزایش بی‌رویه جمعیت، نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی و همچنین تخریب محیط زیست از گرفتاریهای بزرگ جهان سوم است و ضرورت دارد در رأس برنامه‌های این کشورها رفع این گرفتاریها مورد بررسی دائمی باشد.

۷ - گرایش به توسعه پایدار در کشاورزی و توسعه روستائی هر چند راه سخت و طاقت بسیاری را طلب می‌نماید اما شالوده آن از هم اکنون باید ریخته شود.

۸ - بررسی عواملی نظیر سیاست گذاریها، فقر، جمعیت، تکنولوژی و تجارت

از جمله عوامل ریشه‌ای برای دسترسی به توسعه پایدار می‌باشند. اصلاح هریک از این‌ها کمک زیادی به موضوع توسعه پایدار خواهد نمود.

### خاتمه:

از ارائه این مقاله می‌خواهم دو نتیجه‌گیری مهم و بویژه در بخش کشاورزی و توسعه روستا بگیرم.

۱ - تحقیقات را اصل بدانیم و بویژه برای یک جمعیت ۱۰۰ میلیونی کشور که تا بیست سال دیگر تحقق خواهد یافت از هم اکنون شالوده محکم آن را پی‌ریزی نمائیم.

۲ - عدم توسعه یافتگی و فقر روستاها را باید به علت فقدان سازمانهای تولید کنندگان در زمینه اقتصادی و اجتماعی و نیز معلول فرار سرمایه از روستا به مناطق شهری و همچنین ضعف بازار سازمان یافته در روستا دانست.

در خاتمه لازم است در این دو جهت و دو موضوع بخوبی و بشدت کار شود طبعاً «راهکار» جذب و جلب مشارکت و همکاری روستائیان می‌تواند نقش دوم را برطرف کند و دقیقاً ایجاد انواع تعاونیهای کشاورزی می‌تواند در این رابطه فوق العاده موثر باشد، نقش و شأن تعاونیها را در تحقق توسعه پایدار نادیده نگیریم، چرا که بهترین راهکار برای جلب و جذب مشارکت و همکاری روستائیان می‌باشد.

اگر انتقادی بر تعاونیها در حال حاضر وجود دارد در واقع آن انتقاد می‌تواند به اندیشه ما در مورد شأن تعاونیها تلقی گردد، نه خود تعاونیها، بنابراین ضمن انتقاد باید میدان را برای حضور هر چه بیشتر مردم که جلوه قانونی آن در تعاونیهاست آماده نمائیم. دستیابی کشاورزان به نتایج تحقیقاتی و نیز ایجاد سازمانهای مناسب تولید در روستاها راه را برای افزایش تولید محصولات غذایی که شدیداً مورد نیاز کشور می‌باشد هموار خواهد نمود.